

◀ تکلیف ایرانیان چیست ▶

از شامت سلاطین عباس یکصد سال است
 همایگان ما مقاصد سیاسی خود را در ایران برعب
 و دبدبه از پیش برده، اینک نیز نمایندگان آت
 بهان عقاید دیرینه باقی قدیمه و جاهد و مسلک قدیمه را
 از دست نموده و مقاصد سیاسی خود را اعم بحق یا
 ناحق بشرق دست می‌خواهند از پیش ببرند. ظاهر
 است که اگر ایرانیان همان قسم مرعوب اجانب
 مانند با وضع کنونی دول و مقتضیات سیاسی امروزی
 محال است بتوانند استقلال خویش را حفظ کنند
 ایرانیان راست که با نزاکت تمام به همایگان
 خویش بفهاند که ازین و بعد با شات و شوت
 سیاسی و دیپلماتی در ایران حتی حاصل
 نتواند کرد. یعنی ایرانیان راست که بکشند
 که همایگانان مسلک صد ساله خود را در وطن
 عزیزشان متروک داشته سلوکی منصفانه و رفتاری
 عادلانه اتخاذ نمایند و اگر سهل‌انگاری نموده بعد از
 آنچه انقلاب عظیم همایگان را بهان مسلک دیرینه
 باقی گذارند باید گفت که هیچ گونه تغییری در
 ارکان استقلال ایران پیش نیامده، بلکه باصول
 قهرانی در سرایش ابدمار رهسپارند
 ایرانیان باید بدانند که استقلال آمارا دو خار
 در پهلو بود، اول داخلی، دوم خارجی. هائقسمیکه
 با کمال جانفشانی و منتهای فداکاری خار داخلی
 را کردند و غاصبین حقوق خویش را از آت
 همه خیالات واهی و مقامات ظل‌الهی نزل داده
 بکله آنها فرو بردند (که سلطنت و دیبته است از
 جانب ملت و بهرکس می‌تواند بخشود) همان قسم
 باید فداکاری و جانفشانی خار راه خارجی را هم
 برکنند و به کله همایگان جای‌دمند که ایرانیان ازین
 و بعد مرعوب تشرهای تو خالی نشده و فداکاری
 حقوق مشروعه خویش را حفظ نموده واضی نتوانند
 کردید که همایگانان برعب و دبدبه دیرین بر
 گردن آرزو سوار گردیده حقوق‌شان را ماطل و
 باطل دارند. در حقیقت ایرانیان اگر نتوانند
 این نکته را در کله همایگان جای‌دهند
 گویا جمیع زحمات سه ساله و جانفشانیهایی عظیمه
 و خسارایکه دیرین راه برده‌اند هباء منثورا تصور
 باید کرد، چه نکته حقیقی استقلال مملکت در جلوگیری

از تجاوز بیگانگان است. و اگر ایرانیان ازین نکته
 ساحل ورزند گویا حقیقت استقلال را از دست
 داده اند، چنانچه می‌بینیم که از آغاز مشروطیت
 تا کنون همایگان ما نخواستند اند ذره از رعب
 و دبدبه خود نسبت با ایرانیان بکاهند. هر پهلو که
 اختیار کرده تمام مبنی بر این بوده که بهان اصل
 دیرینه مقاصد خویش را از ملت و دولت ایران
 حاصل نمایند و هنوز هم در همان دایره کار میکنند،
 قشون روس که در ایران وارد گردید برای پیشرفت
 همین نکته بود و توفش نیز مبنی بر همین است

ایرانیان بچه مسلک باید همایگان را از مسلک
 دیرین منحرف سازند؟ مسالکی سکه ایرانیان باید
 در این موضوع اختیار نمایند بسیار است. ولی
 غالب آنها مربوط بیکدیگر و اختیارش موقی
 مخصوص را در خور است. فقط آنچه امروزه
 شایسته اتخاذ میباشد دو نکته است

اول در هر نقطه متوجه حرکات و سکنات
 نمایندگان خارجه گردیده نگذارند سرموش از حقوق
 سیاسی خود تجاوز کرده و رعب و دبدبه بخرج
 حکام و مأمورین جزء وکل داده خر خویش را از
 یل بگذرانند و هر مأمور که برعوبیت حتی با آنها
 دهد فوراً از مأموریتش اداخته بلکه ابدالدهرش
 بخدمات ملکی مأمور ندارند

دوم - هرگاه نمایندگان خارجه با یکی از
 مأمورین آنها طرف شده خواست او را مرعوب
 خویش سازد و آت مأمور مرعوب وی نشده
 (مانند مخبرالسلطنه) زیر بار تجاوزات آنها نرود
 و آله پیشرفت اضراض آنان نکرده و ملت و
 دولت منتهای حمایت را از آن مأمور نموده بر مقام
 منیع و درجه رهش بینزایند

فعلا هرگاه همین دو نکته را ایرانیان ملحوظ دارند
 هم خارجیان پیش پای خود خواهند نشست و هم
 مأمورین دولت ازین خوف و رجا قوت حاصل
 خواهند کرد که در جلو اجانب استقامت خواهند ورزید -
 هرگاه این نکته مراعات نشود محال است مرعوبیت
 مأمورین ما در مقابل خارجیان رفع شود و ناوقتیکه
 مرعوبیت را مأمورین ما از خود دور ندارند
 نمیتوانند در مقابل رعب و دبدبه نمایندگان اجانب
 حقوق خویش را ملحوظ دارند

پس ملت و دولت ایران راست که در حایه شخص شخیص مخبرالسلطه و امثال این مأمورین کاروان غیر مرعوب يك با ایستاده نگذارند بذریعه تبدیل مأموریت ایشان همایه بر گردن آرزو سوار شده و من بعد سد ها مقاصد سیاسی خود را پیش ببرد ، و بر فرض هم که موقع اقتضای تبدیل باشد باید بمراتب شتی بمقام منبع چنین مأموری افزود و او را برای همیشه خارجتم دشمن قرار داد

قبول طاعات

جناب مستطاب حاجی محمد حسن آقا تاجر کاشانی که مستغنی از توصیف اند در شهر ربیع الاول بزم زیارت عتبات طالبات با اهل البیت و دلبنسنگان از پونه روانه تخمیناً متجاوز از یکماه زیارت های دوره را تکمیل در تاریخ ۱۵ شهر جادی‌الثانی مراجعت به بیثنی و حرکت به جانب پونه فرمودند۔ اعضای اداره جبل‌المتین عن صمیم‌القلب ورود شان را تبریک میگویند

سفارت کبرای فوق‌العاده ایران در لندن روزنامه‌های انگلیس و فرانسه هر یکی بزبان از وضع و کردار سفارت کبرای فوق‌العاده ایران در موقع تشییع جنازه پادشاه انگلیس تمجید می‌کنند ، اینک ما برای اطلاع مطالعه ککنندگان نامه مقدسه شرح ذیل را از روزنامه سیقل مورخه ۲۶ می ۱۹۱۰ عیناً ترجمه و نقل می‌کنیم

نقل از روزنامه سیقل منطبعة پاریس

یکی از دوستان ما مقیم لندن که خیلی واطبیت تقدیرات ایران است تفصیل ذیل را راجع بسفارت کبرای فوق‌العاده ایران که برای تشریفات دفن ادورد همقم بلندن رفته بود با می نویسد و در این موقع که کارهای ایران اسباب مشغله دول فرنگ شده است معلوم میشود که سفارت فوق‌العاده ایران خدمات بسیار مهم را از پیش برده و احتمال می‌دهیم که بعد از این مقدمه ورق پلنیک خارجه در ایران برگشته و از آنچه تا حال در پیش بوده تغییرات حاصل میکنند ، پس در این صورت یقیناً از ما ممنون خواهند شد که مراسله ذیل را که خبرنگار ما از لندن می‌نویسد و شخصاً موقی داشت که

اطلاعاتش یقیناً صحیح است منتشر نمایم این است
مراسله مزبور ۴
(مراسله لندن)

دوستان ملت ایران مدتها از صحبت هائیکه در لندن در این موقع مطرح شد یاد خواهند نمود، از اتفاقات غریبه است که تشییع جنازه پادشاهی که محل تأسف عمومی است موقع و اسباب این صحبت های بسیار مفید گردید، مثل این است که ادورد همقم که آزادی خواهان ایرانی خیلی محترمش می‌داشته خواسته است که بعد از مرگش هم درحق آنها همراهی بکند البته می‌داید که دولت ایران مثل دولت فرانسه که در این موقع مسیو پیشون وزیر امور خارجه خود را نماینده فوق‌العاده در لندن قرار داد، بود فکر بسیار خوبی کرده بهترین دیپلمات خود صمد خان ممتاز السلطه وزیر مختار پاریس را بلندن فرستاد و اعضای این سفارت کبرای فوق‌العاده عبارت بودند از فیروز میرزا نوه پادشاه مرحوم ایران و جنرال موسی خان که خدمات نمایان در قشون مشروطه خواهان ایران در موقع تصرف طهران کرده و امیرخان نایب سفارت پاریس و کتابچی خان مستشار حقوق وزارت امور خارجه ایران، تشریفات و احتراماتی که برای این سفارت فوق‌العاده از طرف دولت انگلیس بعمل آمد خیلی محل توجه عمومی در لندن شد اینک از خود ما وقع که می نویسیم اهمیت این تشریفات را خواهید فهمید ،

وقتیکه سفارت کبری فوق‌العاده (بگاله) بندر فرانسه رسید جنرال قونسول انگلیس حاضر بود و شخصاً هیئت سفارت را به کشتی مخصوص که از طرف پادشاه انگلیس باین بندر فرستاده شده بود همراهی کرد و این کشتی پادشاه با احترامات هیئت بسفارت را به (دوور) بندر رسانید در آنجا جنرال (سرهنتری راولسون) بنام اعلی حضرت پادشاه انگلیس و آنریل (لندوز) از طرف وزارت امور خارجه انگلیس تبریک ورود گنمت، وکلانتر شهر (دوور) و امیرال فرمانده بحری و ژنرال فرمانده نظامی آنجا هم با البه رسمی برای تشریفات حاضر بودند ، از طرف دولت انگلیس قطار راه آهن مخصوصی از لندن باین بندر برای حرکت سفارت کبرای فوق‌العاده ایران فرستاده

شده بود ، در ورود لندن از طرف پادشاه انگلیس والا حضرت (دوک دوتک) برادر ملکه جدید انگلیس باستقبال سفیر کبیر فوق العاده بایستگاه راه آهن آمده و از قول پادشاه مراسم خوش آمدی و احترامات را بعمل آورد ، در تمامی مواقع رسمی و تشریفاتی که روز جمعه بعمل آمد با ممتاز السلطه سفیر کبیر ایران از طرف دولت انگلیس همان معامله و احترامات می شد که نسبت بمسیو روز یولت سفیر کبیر فوق العاده دولت متحده امریک رئیس جمهور سابق آن مملکت و مسیو بشون سفیر کبیر فرانسه بعمل می آمد و آنها در حق این سه سفیر کبیر فوق العاده احتراماتی را که بنلاطین و اعضای خانواده های سلطنتی مرعی بود بعمل آوردند .

از جمله آنها سفیر کبیر ایران مثل سفرای کبار امریک و فرانسه در سر میز شام قصر (بکننگهم) و نهار در قصر (ویندزور) حضور داشتند و پادشاه مکرر با ایشان در این چند روز ملاقات و صحبت کرد ، و سرادورد گری از سفیر کبیر ایران بوزارت امور خارجه به (دوین استریت) دعوت کرده و خیلی مفصل با هم صحبت نموده اند

وقتی که انسان فکر می کند که در انگلند رجال رسمی مملکت ما (انگلیس) بچه اندازه مواظب درجات نزاکت و اقسام مهربانی خود شان هستند آنوقت میشود مطمئن شد که باین قسم اظهار وقر و احترام که نسبت بسفیر کبیر ایران در لندن بعمل آمد اتفاقی و بی علت نبوده و باید جدی بوده باشد ، بهترین وسیله شناختن علت این احترامات فوق العاده بر شخص سفیر کبیر ایران این بود که ما بخود معظم الیه صحبت کرده از خود شان پرسیم که اول پادشاه و بعد سرادورد گری وزیر خارجه با ایشان چه صحبت کردند ، ولی چون از رفتار رئیس سفارت کبری هم معین شد که ایرانی ها دیپلماتهای هستند که مکیونات خود شان را مطرح و باسانی منتشر نمی کنند ، اما خوش بختانه ممتاز السلطه دوستانی در لندن دارد که بعد از حرکت شان کمی اطلاعات بمن دادند ، از قراریکه معلوم میشود بزرگترین وقعه این ماموریت ایشان صحبت مفصلی است که با (سرادورد گری) کرده اند و از قراریکه مشهور است وقتی که از

وزارت امور خارجه بیرون آمده سفیر کبیر ایران و وزیر مختار ایران مشیر الملک مقیم لندن که در محبت ایشان بوده هر دو خیلی خوشوقت و بشاش بودند ، یقین است سرادورد گری در ضمن صحبت خود با یکی از حامیان بزرگ مشروطه ایران که در حقتان همیشه ما محبت اورا مسئلت نموده ایم فهمیده است که جقدر مقاصد آزادی طلبان در ایران مستوجب و لایق دوستی است و جقدر آت مقاصد مقدمه موافق مسلکی است که برطانیای کبیر در تمام دنیا مؤید آن بوده

شک نیست که وزیر امور خارجه که شخص بسیار عادل است ملتفت شده است که تاجه اندازه بعضی از مامورین روس اسباب نگرانی ایرانی ها شده اند ، وجه مقدمه و تدبیر باید بکار برد که این نگرانیها را رفع نماید حتما معزی الیه اطمینان حاصل کرده است (اگر اجازه بدهید ضرب المثل فرانسوی خواهم آورد که اگرچه عوامانه است ولی در این موقع خیال مرا بهتر می فہاند) که مگس را با سر که نمی شود گرفت و حالا بر خود یقین کرده است که برای تحصیل اطمینان و اعتبار بر اینها لازم است که اول مراتب اطمینان و اعتبار خود را نسبت به ایشان ثابت نمود ، بعبارت آخری وزیر امور خارجه ما حالا بولتیک ایران خود را صحیح و درست کرده است خودتان ملتفت میشوید از اینکه این قسم خیالات داخل کله آدمی مثل (سرادورد گری) شده و بوسیله او بکاینه پترسزک هم لابد امام خواهد شد باید دید چه نتایج حسنه حاصل گردد عقیده ام این است که در این موقع تنها سرادورد گری موجب تبریک نیست و مگس دیگر هم هست که بهمان اندازه شیار سر زمین این اتفاقات را صاف تر کرده بود ، و امیدوارم از بردن اسم او که مسیو پیشون است سری افشا نخواهد شد بلی معزی الیه در این موقع برای صلح دنیا و مایه ترقی خدماتی کرده است که اسباب افتخار دیپلوماسی فرانسه است

امضا - ا - ق
تاج گاهی که دو زرع بلندی آن و روی حائل آن نوشته بود (سلطان احمد به ادورد هتم در مراتب تعزیه و تاسنات خود) سر قبر پادشاه گذاشته شد

از کربلای معلی

(آستان مقدس دارالشورای کبرای ملی)

(شیدانه ارکانه)

پس از تأمل و تفکر در حال آینده وطن عزیز و گرفتاری آن بخطرناک گوناگون که از خائنین ملک و ملت و دشمنان عالم اسلامیت سرزده که رشته حیات دولت عظیمه اسلامیه مثل ایران که مسقط الرأس اصلی و موطن مقدس حقیقی ما دور افتادگان از وطن است ، بواسطه شدت فقر و پریشانی نزدیک است منضم گردد ، و اطای دین و دولت ما وقت را منظم نموده و موقع را غنیمت دانسته از هر طرف با تیغهای آتشبار بولتیک و حیل بریده جان ما هجوم آور ، و صد آن برآمده که ریخته حیات استقلال ما را از پنج قطع نموده آتش زنند ، و علم اسلام را سرنگون ساخته مملکت ایران را بسایر مستعمرات خود شان ملحق سازند و یکدفعه بر اضحلال و اسدام اسلام و مسلمین فائمه بخوانند ، چاره بجز اقدامات مهیه و مساعی لازمه نیست و میتوان گفت که از برای اسلام و مملکت اسلامیه روزی سخت تر از امروز نمیباشد

امروز روزی است که هرگاه مسلمانان جهات اتحادیه خود را مستحکم نمایند دین و وطن خود را از زوال و اضحلال مصون خواهند داشت و اگر اندکی قاعد و ورزند زمام کار از کف اختیار آنها بیرون خواهد افتاد ، عقل قاطع و وجدان سلیم شهادت میدهد که مساعیه امروزی مسلمانان را موجب نکت و فلاکت ابدیه خواهد بود ، پس در این صورت بر تمام اهالی این آب و خاک لازم است ، که فرداً فرد در حفظ استقلال وی کوشیده و در رفع مفاسد آن بذل مجهود نمایند ،

امروز حفظ اماکن مقدسه و بسط امنیه در آن موقوف بر مقداری نخواه است که مسلمین بعنوان امانه تسلیم دولت کنند ، تا بواسطه آن داخله مملکت منظم و بنیان استقلالش مستحکم گردد ، این دعا گوین دولت علیه اسلامیه طلاب و تجار و کسبه بهمانی که ساکن نجف اشرف هستیم در حفظ قرآن مجید و اماکن توحید موقع را غنیمت شمرده آنچه مقدور بود بر طبق اخلاص نهاده تقدیم نمودیم و متاع نفیس شرف را با دراهم معدوده خریدار آمدیم

مستندی از اوایاء امور ایدم الله تعالی که منت بر این دعا گوین نهاده این هدیه بی مقدار را بپذیرند و البته مرجو از سایر اخوان دینی و وطنی خود جناب سکه در حفظ بیضه اسلام از دستبرد اجانب سکه از اهم فرایض اسلامیت است از هیچ گونه اقدام درین فرمایند ، و هرگز رضا ندهند که عروق استقلال ما یکدفعه از شدت پریشانی تحلیل رود و دولت ما باستقراض از خارجه محتاج شود که با شرایط ناگوار خانه بر انداز از راه ناعلاجی نمایند ، آنوقت است که اصیحت حوزه الاسلام تحت سلطه الاجانب یفعلون فیها ما یشاؤون و یحکمون فیها ما یریدون ولا ارانا الله ذالک الیوم انشاء الله تعالی

اسامی طلاب	قران	شاهی
آقا شیخ محمد علی	۴	۳
حاجی شیخ محمد علی	۵۰	
آقا شیخ جواد	۹	
آقا شیخ محمد صادق	۹	
آقا شیخ عبدالرسول	۱	
آقا شیخ علی	۲	۷
آقا سید علی	۲	۱
آقا شیخ احمد	۱۸	
آقا سید عبدالعزیز	۲	
آقا شیخ عباس	۱۰	
آقا سید محمد	۱۰	
آقا شیخ ابراهیم	۴	
آقا شیخ عبدالله	۴	
آقا سید محمد حسین	۲	
آقا سید عبدالرسول	۲	
آقا سید حس	۴	
آقا سید حسین	۲	
آقا سید رضا	۲	
حاجی محمد تقی	۱۰۰	
حاجی آخوند علی	۵۰	
حاجی سید جعفر	۲۷	
حاج حسین حاج علی	۲۷	
حاجی محمد میرزا	۳۶	
حاجی مهدی	۱۸	
حاجی سید حسین	۹	

شاهی	قران	شاهی	قران
	۱	حاجی سید محمد باقر	۹
	۲	حاجی شاه محمد	۹
	۲	آقا محمد علی	۲۰
	۲	عبدالمحمد حاجی آخوند علی	۱۰
	۱	حاجی سید اسدالله	۹
	۲	حاجی سید هادی	۹
	۲	عبود یزدی	۱۰
	۲	سید محمد جواد	۱۰
	۲	سید عباس	۸
	۱	سید محمد	۵
	۲	محمد حسن	۵
	۱	شیخ علی	۵
	۲	سید علی سید اسدالله	۱۰
	۲	سید ابراهیم	۱۰
	۵	آقا محمد علی حاجی آقا بابا	۱۰
		حاجی محمد علی	۳
		حاجی زکی	۱
		محمد علی عباسقلی	۱
		سید حسین شاه سلیمان	۲
		حاجی میرزا محمد علی	۳
		سید ابراهیم	۱
		باقر مشهدی صمد	۱
		عبدالحسین	۳
		احمد حاجی حسین	۱
		سید محمد سید هاشم	۲
		حاجی محی الدین	۱۰
		عبدالحسین عبدالرسول	۱۰
		ملا حاجی عطار	۲
		سید مهدی	۱۰
		سید محمد حسین	۴
		میرزا ولد شیخ عبد علی	۱
		کربلائی نصرالله	۱
		سید هاشم	۱
		ملا عبد الرسول	۱
		مشهدی عباس	۱
		حاجی محمد	۲
		حاجی حسین	۲
		میرزا عبدالله	۲

جمع کل مبلغ ۱۳ لیره و نیم الا کسری
امضاء حاجی شیخ محمد علی بهبانی

﴿ امروا بالمعروف ناهوا عن المنکر ﴾

اسان وقتى بديده تحقيق ملاحظه ميکنند مي بيند
که شرافت هيتت جامعه بشر فقط در تحت اين
کليه مقدس است (امر به نيکی و سر از بدی)
حضرت بزدايت آزادي گفتار بافرد بشر مرحمت
فرموده و هر فرديرا بليس فرد ديگر قرار داده
تاريخ عمومي هم مي بين و مفسر همين مطالب است
سرمایه نجات ملل عالم و سرچشمه ترقیيات دول روی
زمین که در حقيقت محير العقول است فقط همين آزادي
گفتار است، تا آزادي گفتار در مملکتی نباشد رفيع
مفاسد در آن مملکت امکان ناپذير است ، خصوص
در مملکت ايران بواسطه سلاطين جابر قرنها طرق
علوم بکلی مسدود بود و شايد از هزار يکی نواقص
خودوا ندانند و ندانند که نميدانند
اما وقتیکه آزادي گفتار بسرحد کمال دست داد
که هر فردی از افراد مملکت هر چه بفکرش درست
بباید ميگويد و هر مطلبی برای نوع منفيد فهمد
در مجامع عمومي کوش زد اهالی نايد و صاحبان
جرايم در نگارشات خود بدون ملاحظه اگر
مقتضی بدانند از اندراج دريغ فرمايند آنوقت
رفته رفته کتايک مصادد امور مل واجب بانها
است ميخوانند و طريقه صواب را مييابند و از

خدمات نوعی که نتیجه ارسال رسل و انزال کتب است آنی غفلت نخواهند نمود

یکی از دانشمندان سوالی از (بهارک) مینماید که فرمائید ترقیات مملکت آلمان در مدت اندک بکدام وسیله بوده است؟ جواب میفرماید « بواسطه آزادی زبان و قلم راه سعادت را ملت آنکشاف نمود » و این مطلب بر واضح است تا طریقه ملاحظاتی نشود که هر کس هر نقی بنظرش مینماید آزادانه بگوید و بنویسد یقین است نقایص چندین ساله استبداد باین زودیها رفع نخواهد شد

باید انسان هر عملی را که موجب سعادت قوم میدانند آزادانه اظهار نماید یا در جرائد بنویسد که همه افراد بفرمانند و راه ترقیات خود را اخذ نمایند

چون جنس بشر محیط بر کلیه امور نیست ممکن است هر چند عالم و عامل باشد باز در استنباط مطالب نوعیه صد هزاران مطلب را تفهید یا آنکه غفلت نماید، ولی همینکه افراد مملکت بی ملاحظاتی شخصی در امور نوعی آزادانه تکلم کردند آنچه را خیر عامه دانسته اظهار کردند آنوقت حقایق امور و مصالح جمهور مکشوف خواهد افتاد

(پارلمان) که در حقیقت کعبه آمال هر فردی از افراد مملکت است و اعضاء آن نمایندگان ملت اند در صورتیکه تمام از عقلای عصر و فضلالی دهر باشند باز نسبت باهالی شورای خصوصیت فقط از آراء اغلب نمایندگان حکایت میشود، ولی زبان و قلم وقتی بدون ملاحظه نوشت و گفت شورای عمومی میتوان گفت، بجهت آنکه حکایت از آراء چندین ملیون مینماید

وکلاهی مجلس مقدس باید هر مطلبی را که دارای اهمیت میدانند پیش از آنکه مطرح مذاکره نمایند اول در جرائد اعلان و به ماطقین امر فرموده تا گوشزد اهالی شود و هر یک از دانشمندان مملکت افکار و عقاید خود را بتوسط همان جرائد و ماطقین پیشنهاد وکلاهی معظم نموده تا آنصکه آراء عموم دانشمندان مملکت استناده شود، در این صورت اگر ورقه اخذ رای انتشار پیدا کرده دارای اهمیت فوق العاده است

اگر خدای نخواست وکلاهی محترم فقط بقایید

شخصیه خودشان معتقد باشند و افکار عمومی را پشت سر افنگند و لااقل هفته دو مرتبه از سیاستپون قوم را ملاقات نکنند (ناصر الملک) و کسب عقاید حقه مقتضیه نمایند علاوه بر اینکه مطلب از غالب اوقات خطب و غفلت خواهد گردید باصول استبداد هم عمل شده است

انحصار استبداد در شخص واحد نیست ممکن است درصد نفر یا هزار نفر پیدا شود، اگر بنخواهم معنی استبداد را گوشزد افراد نایم بهتر از این نمیشود بیان کرد (انسان مقید باجرا خبیالات شخصی خود باشد و اعتنائی بافکار دیگران ننماید)

و آن مشورتیکه حضرت باری تعالی گوشزد جهانیات کرده است (آمر هم شورا بینم) و شاورهم فی الامر) و از برای هر فردی از افراد بشر وجوب پیدا کرده است همان است که مطلب را اول پیشنهاد عموم دانشمندان که وای عقول سایرین هستند بنمایند و استکشاف آراء مختلفه آنها را با کثرت در میان وکلاء ست قانونیت دهند و افراد ملت بدون ملاحظه از میثت اجرائیه توقع نمایند که در موقع تعطیل گذارده نشود

تا يك درجه معلوم شد نتیجه آزادی قلم و زمان چیست، ولی بیچاره ایرانی هر وقت بنخواهد بیان حقوق خود کند فوراً عدم اقتضاء وقت را پیشنهاد میکنند، خصوص درین موقع ~~سکه~~ (لولو) هم پیدا کرده ایم، اگر در زمان سابق از ترس فشار ملت لفظ اقدامات مجده خواهد شد در میان بود، حال حفظ موقع باریک در میان است

يك لفظ عفو عمومی در میان آمد ولی مطلب را گوشزد اهالی نکردند که مراد از عفو عمومی مجازات ندادن اعمال سابق است، بدبختانه همه فهمیده اند که مراد از عفو عمومی یعنی کافی السابق همان زالوهای استبداد بجان این ملت بدبخت بیچاره بیفتند و خون این بیچارگان را بمکنند

تا انسان بنخواهد در يك محفل یا مجلس بگوید (که تاریخ گذشته ایران باید سر مشق آتیه شود و خرابی این خاک مقدس را چه باعث بوده و چه اشخاص اسباب شدند آیا آنهایکه کمر بسته بودند براسی سلب سعادت و محو استقلال تفسیر ماهیت برای آنها پیدا شده است یا آنکه این ملت بیچاره

باز قوه فشار دارند؟ آیا خون‌ریزی باز لازم است؟ آیا از ایران خراب تر نقطه بنظر میرسد؟ آیا دول اجنبی که حرکاتشان عقول را مات کرده است نگران نیستند که حس ملی در ایرانیان هست؟ آیا همین بود که اشخاصیکه کر برای ریختن خون آنها بسته بودند حال در نقاط ایران حکمران و فاعل مابناء هستند؟ فوراً عنوان پارتی بازی بمیان مآورند و معنی پارتی را نمیدانند و نمیفهمند تا پارتی نباشد کارها از پیش نمیروند و در تمام دنیا پارتی هست، پارتی يك عده اشخاصی را میگویند که در مسلک میانقی با یکدیگر داشته باشند، و پارتیهای مختلفه در اروپا بسیار اند از قبیل سیاست، لیبرال، کنسرواتیو، روالیست، انارشیت و غیره و غیره هر کدام از این فرق در میان خودشان روزنامه دارند با مسلک خودشان و آزادند و در موقع انتخاب و کلام هم سعی دارند ~~مسئله~~ و کلام بیشتر از آنها باشند که اعلییت در مجلس با آنها شود و ابدأ با يك دیگر دشمنی شخصی ندارند بلی مسلک مختلف است اما مقصد یکست که ترقی وطن باشد یعنی میگویند ترقی وطن بواسطه این مسلک است در فرانسه که مملکت جمهوریت ملاحظه شود الآن پارتی (روالیست) یعنی شاه پرست است که عقیده آنها این است که فرانسه شاه میخواند و باید مشروطه باشد

و در ممالک مشروطه هم جمهوری هست که میگویند حتماً باید مملکت جمهوری شود ولی در مقصد با يك دیگر دویت ندارند که حفظ استقلال وطن باشد، مثلاً اگر بخواند با استقلال وطنش تزلزل حاصل شود تمام این پارتیهای مختلفه با يك حرارت حیرت انگیز دست از مال و جان شسته و به آواز بلند خطرات وطن را پیشهاد افراد ملت نمایند و در تحت کله مقدسه اتحاد برای حفظ استقلال و سعادت خود میکوشند

بدیخت ایران، بیچاره ایران، بی کس ایران، اگر بدیخت و بیچارگی ایران نباشد چرا باید برای مسلک با ممالک دشمنی کنند اگر آزادی باشد که هر کسی مسلک خود را بدون ملاحظه بگوید این عیوبت پیدا نمیشود که تمام فکرمان در مقام تمام کردن یکدیگر باشد

بلی مملکت تا پارتی نداشته باشد ترقی نخواهد

کرد ولی پارتی برای حفظ وطن و ترقیات ملی بیضبراکرم که حرکات شریفش اسباب حیرت جهانیان است تا هم مسلک پیدا نکرد و تشکیل پارتی نداد احکامش انتشار پیدا نکرد، پس پارتی لازم است و پارتی حق که برای سعادت قوم کر غیرت بمیان بسته اموراتی که اسباب سعادت است پیشنهاد کند این مطلب باید گوش زد اهالی ایران شود که اگر ملاحظاتی از میان برداشته نشود و آزادانه نگویند و نه نویسند رفته رفته بدوره جهالت عود خواهیم کرد، امروز هر فرد فرد ملت ایران راست که برای حفظ شرافت خود بکوشند و خائن امروز کسی است که ساکت نشسته انتظار از دیگری داشته باشد، خدمت نکردن در هر چه موقع باریکی خود خیانت بزرگیست، اگر خطرات امروزه را بقوه ملی خود جابه نکریم تاریخ باسم ایرانیان لکه دار خواهد شد

باید از گفتار بعضی ملول نشد و این مادر عزیز را که اسمش ایران است از زیر سم اسبهای مخالف نجات داد، و دست اتحاد بهم داده اگر مسلک مختلف است مقصد را یکی نمود و شرافت نوعی را ظاهر ساخت، برای عود اجانب از هیچ چیز دریغ نداشت (یا مرگ یا استقلال را دگر جل قرار داد)

(فداان وطن الحاج بهاء الواعظین)

قابل توجه تمدن خواهان

محققین علماء برانند که تمدن بی تدین محال است چه آنکه آسایش و رفاهیت و آبادی مملکت وقتی بطور تمام و کمال صورت خارجی پیدا خواهد کرد که حقوق بشریه از تهاجم و تقاصب محفوظ ماند و گرنه در اندک زمان هرج و مرج سطح کره ارض را احاطه خواهد نمود و بالاخره مخبر بقطع نسل بشر میگردد

و بدین است که آنچه موجب صیانت حقوق تواند شد همانا قانونی است که آسانی که بتوسط انبیاء عظام سلام الله علیهم اجمعین برای انسانی فرستاده میشود، و این قانون را بنیر از کسانی که از طرفه آسان بپوشند نتوانند آورد، چه آنکه اطلاع و احاطه بمخوق بشریه منحصر بمخالف بشر است

عقول بشر ولو تجربه هزاران ساله اطلاع بر حقوق نوعیه پیدا نخواهد نمود و چنانچه جاهل خیال

اید سکه انسانی می توانند بر تمام حقوق نوعیه قدوجا در قرون متطولہ بی برند پس احتیاج بموت آسانی نماید، باید چنین آدم ملتزم شود نصیب حقوق بشریه را در خلال وائناء این مدهای مدیده که بجهت بدست آوردن وضع قوانین حفظ حقوق فرض کرده یا آنکه میتوان بطور قطع و یقین ادعا نمود که در این مدت بسبب هرج و مرج و خود سری صاحبان قود و قوت هیئت اجتماعیه انسان مبدل بیک تفرقه گردد که نفوس بشر را بسمت وادی فنا و اضحلال رهیار نماید

عقلاء و دانایان دنیا بدین نکته بخوبی واقف گشته و هرگاه مراجعہ بتوانین دول عالم نایم می بینیم که اساس و اصول قوانینیکه مبتنی بر حفاظت حقوق هیئت اجتماعیه انسانی است تمام مأخوذ از کتب آسمانی است

و از آنجائیکه اجراء مواد سیاسیه قوانین حقوق بشریه در صورت تخلف و تخلف انسانی از مراعات آن قوانین بتنهائی ضمانت و حراست حقوق اجتماعیه را متکفل نتواند گردید لذا اعتقاد بنام دیگر که مراعی قانونرا ثواب و متخلفی از آنرا عقاب نمایند لازم آمد

ببارہ ساده تر آنکه مجرد مجازات و سیاسات و محکومیت دنیوی ذمه دار عدم تجاوزات بشر بر حقوق همدیگر نتواند شد چه آنکه ممکن است سکه در بردہ خفا این جنس دو یا همه نوع تجاوزات و ارتکابات از قبیل قتل و سرقت و امثال ذلک روا دارند و کسی الزام قانونی بروی نتواند وارد آورد

پس واضح گردید که آنچه حافظ حقوق هیئت اجتماعیه انسان است همانا دو امر است، یکی خوف از سیاسات دنیوی و دیگری ترس از نالوبات اخروی است که انسانها در تحت ظل ظلیل این دو امر بجمیع سعادات دنیوی و اخروی موفق و نائل نتوانند شد

بعضی کم علمان که هنوز اغشیه ظلمانی جهل از حواس آنان برطرف نشده خیال کرده اند سکه میتواند تہذیب اخلاق بجای اعتقاد بعالی دیگر موجب تمدن گردد و ازین رو اعتقاد به نشئه دیگر را در پتای تمدن واجب بشمرند

اگر بنظر دقت وانصاف قطع احساسات وجدانی خود را مرجع قرار دهیم خواهیم دید که این نوعم صرف خیال و خیال صرف است، چه آنکه تہذیب اخلاق بشر نوعی که بتواند علت و سبب حفظ حقوق هیئت اجتماعیه انسان گردد علاوه بر آنکه محتاج بزمان است بسیار طولانی که تا تہذیب نشده حقوق نوعیه درشنا جرف فنا و پرتگاه اضحلال است قریب الحمال مینمایند

کسانی که این لغه را میسریند خوب است لحظه بملکت فرانسه خصوص خاصه او پاریس نظر افکنند که باوجود آنکه مدارس که محض بجهت آدم سازی است چه قدر طرار و شیداد و دزد و قاتل نفوس بشریه این شهر شهر را احاطه نموده و هم چنین سایر ممالک اروپا و امریکا باوجودیکه تعلیمات در تمام آن ممالک اجباری است

عقل فطری و وجدان سلیم چنین شہادت میدهند که در مملکتی که مجازات سخت تر است امنیت که موجب آبادی و ترقی یکقوم شناخته شده بطور تمام و کمال با یک سرعت کهربائیہ سطح دنیای آن مملکت را فرا خواهد گرفت

اگر رجوع بسیاسات اسلامیه شود سبب وحید و علة فرید ترقی وی در قرون اولیه آشکار خواهد گردید

و بر فرض تسلیم هیچ جایی شبه نیست که اعتقاد بمجازاتی دیگر که از وی در لسان شرایع تعبیر بقیامت و طلم جزاء شده در بسط تمدن و عدم تجاوز افراد بشر بمقوق یک دیگر بمراتب از تہذیب اخلاق بهتر و بمنزل متصود سریع السیر تر است

ما میگوئیم که اخلاق بشریه قابل تہذیب نیست چه آنکه احساسات شرایع مقدسه و حکماء و وجدان حکم بقابلیت مینماید بلکه میگوئیم که تہذیب اخلاق بتنهائی نمیتواند سند ضمانت تمدن انسانی بدهد و بالجله تمدن خواهان و نوع پرستان بخصوص فرنگی مآبان ایران اگر بی بحقیقت تمدن بوده و از روی صدق و راستی وجود تمدن را در مملکت اسباب سعادت اعتقاد دارند چاره بنیر از التزام تبدیل ندارند

جنی از محققین حکماء اروپا و آمریکا

اعتقاد کردند که دینی که امروز بتواند متکفل
 ترقی ام و اقوام عالم گردد همانا دین مقدس اسلام
 است چه آنکه مواد جوهریه وی بر یک شالوده
 صحیح و اساس محکم متین انحاء و احوال و عزیمت و
 همت و نیت گذارده شده که تمام این خصال محموده
 اگر در یک قوم جلوه و نمایش نماید پتانیه آنها
 را در طی طریق سعادت دلالت کرده بلکه بمنزله
 یک تازیانه آتشین خواهد بود که لا ینقطع فرق
 خیال آنها را در طی آن طریق مقروع میدارد
 ترقی اسلام در قرون ماضیه چنانکه گذشت
 منوط و مربوط بهمین دقیقه شناخته شده ترقیات ملل
 و اقوام عالم نیز بواسطه مراعات همین ملکات و خصال
 دیده میشود

امروز مزایا و خصوصیات دین مقدس اسلام
 از برکت این عصر فرخنده حصر که عصر تشعشع
 و نوآینت است بر خودی و بیگانه چنان مکشف
 گردیده که دیگر نمیتوان بشباهت سلفی و تشکیکات
 رازیه ستره و حجابی بر حقیقت مقدس افکنند
 امروز اکتشافات عصریه صدای بلند اقوام و
 ملل عالم را دعوت باعتناق دین اسلام مینماید امروز
 از برکت علم کسی نمیتواند مثل سابق صاف صاف
 افتراء بدین اسلام زند بیلی از آنجائیکه در هر دوره
 جمعی سد راه هدایت بشری شناخته شده بی نوع
 انسانرا از سعادت باز میدارند، در بر افریقا و
 سایر جهات ظلمانی عالم خارهای زیاد در جلو راه
 سعادت این انسان بیچاره روئیده شده اند مثل دماغ
 مسیحی مردمان گول کیجی احق از همه جا بی خبر
 را اغواء کرده دین مقدس اسلام را منافی با تمدن
 ارائه میدهند ساده لوحان که دینشاث بولتیکی یا
 تقلیدی است همدآ یا سهواً زبان بطعن و سخریه
 باین دین مقدس میکشاید مدت زمانی است که
 دسته دسته ایرانیان مسلمان بخارج ستر میکنند و
 بعد از برگشتن دعوی تمدن خواهی و استهزاء
 و سخریه بدین مقدس اسلام و کسب یکدنیا اخلاق
 و ذلیله اروپائی که وجدان انسانی را شرم از ذکرش
 می آید نموده بعضی مردمان جاهل نیز گول این
 جاهلانرا خورده اخلاق و ذلیله آنها را کسب مینمایند
 این مرض مهلك جهل دیر زمانی است که در
 مملکت احوال و عادات و عادات و عادات است

تاریخ وجودش در مملکت از زمانی است که راه
 غرب بجهت آنها باز شده و با ام خریه مخالفه
 نمودند ما نمیکوئیم که انتحار این طریق اسباب نکبت
 و فقر اهالی مشرق زمین گردید بلکه باید اعتقاد
 نمود که همانا راه سعادت و شقاوت مشرقیان خصوصاً
 ایرانیان از کشوده کی این راه روشن گردید
 ولی مع التأسف که ما قدر و قیمت آن را
 ندانسته عوض آنکه از نعمات علوم و صنایع آنها
 بهره مند کردیم تا بلکه خود و مملکت خود را
 حفظ بنوامیم خود و از قید این مذلت و مسکنت
 امروزه رهائی یافته آزادی خود را مشاهده کنیم
 آنچه اخلاق و ذلیله و صفات ذمیمه که در اروپائی
 مشاهده بود کسب کرده و جزء سایر اخلاقی و ریکه
 و ملکات خسیه خود نمودیم

علة العلل این نومییدی و بد بختی همان جهل ما
 بود که اساس و شالوده خرافاتی است که موجب
 تولید و تکوین اخلاق ذمیمه در نفس ما گردیده
 آیا آن خرافات و موهومات چه بوده که مارا باین
 روز سیاه در روی خاکستر خواری و ذلت نشانیده
 ما در ایران دو قسم خرافاتی داشته که یادگاران
 آنها هنوز باقی هستند اول طبقه سافل مملکت که
 دارای یک قسم علوم موروثی آباء و اجدادی
 هستند که ممکن نمیشود از آن علوم خیالی از
 صفحات اذهان ساده آنها نمود

اساس و اصول موضوعه آن علوم عبارت است
 از انکار مطلق که فهمند و یا صنعتی که بر مقلش
 قدرت نداشته باشند و اگر بالعرض یکی از آن
 صنایع را به بینند مخترعش را یک انسان دیگری تصور
 کرده و یا آنکه وی بشعبه و چشم بندی کنند،
 اوائلیکه تلگراف در ایران کشیده شد جمعی معتقد
 شدند که جماعت فرنگیان بسن مغرب را در زیر یکی
 از میلهای تلگراف بروی قاذورات گذاشته و بدین
 جهت تسخیر اجنه کردند اند و این سرعت رسیدن
 اخبارات بواسطه اجنه است بد بختانه بهمین اشتقاد
 نیز مردند

دوم طبقه متسکین این طایفه دارای یک قسم
 علوم الهامی که از او تعبیر بلذی میشود بودند آری
 از علوم این طایفه دو کتاب و سنه یافت نمیشود
 بلکه اغلب خلقت مناقضت با کتب و سنه یافته

و هویدا است عمدہ عرضیکہ بر این طایفہ مستولی
 شدہ بود همان اعتقاد و حسن ظن بمعلومات خود
 بود بخوبیکہ جمہولی نسبت بخود بخمال راہ نمیدادند
 هر وقت در نزد این طبقہ اسی از اصلاح
 ادب یا مملکتی برده میشود با یک حالت غضبالودہ
 یا زمان تاسف اصلاح آن را از ذمہ خود جدا
 کردہ بعمدہ ولی عصر عجل اللہ فرجہ می اندازند این
 طبقہ خود وسایر مردمرا ابدًا مکلف باصلاح هیچ
 امری ندانستہ همیشه اخبار وارده انقلاب آخرالزمان
 را ورد زبان خود ساختہ و غافل از اینکہ مفاد
 این جور اخبار این است کہ مردم بسوء اختیار
 خویش در آخرالزمان موجب فساد میکردند نہ
 اینکہ مجبور در تولید فتنہ باشند کہ اصلاح
 از طاقت آنها خارج و متوقف بامدن آن وجود
 مبارک باشد بل آن وجود انور خواهد آمد و کسایکہ
 میتوانستند در بین خدمت نمایند و کسالت ورزیدند
 مجازات خواهد فرمود نمیتوان بطور قطع تاریخ
 رواج این گونه علومرا کہ بمنزلہ یک روح خبیثی
 است کہ بر جسم مطہر دین اسلام و مملکت مثل
 کابوس و بجنک مستولی شدہ معین کرد تمام بدبختیهای
 امروزہ ما ایرانیان منشأ و مبداءش رواج این گونه
 علوم شناختہ شدہ این است کہ ہمہ روزہ یک لطمہ
 سختی باین دیانت مقدس از خودی و بیگانہ میرسد
 طبقہ سافلہ کہ ادراک نمیکند متنسکین بغیر از تکفیر
 و لعن و طرد و محول نمودن اصلاح انرا بعمدہ
 ولی عصر تکلیفی بجهت خود فرض نمی نمایند

آیا سبب و علہ طعن زدن مستر نگان بدیانت
 اسلامی بغیر از جهل بحقیقت و مصالح احکام اسلامی
 چه میتواند بود؟ کسایکہ جلو ترقیات و سعادت
 یک قوم یا یک ملت ہمیشہ یک سداہنین بودندوقتی
 کہ بازار اسلام ایرانرا باین آشفته گی بہ بستند البتہ
 از هیچ گونه خراب کاری چه دینی چه مملکتی
 کہ از دستشان ساخته شود کوتاہی نخواهند کرد
 اگر چشم حقیقت بن در بین باشد البتہ می
 بیند کہ امروز ایرانیان بواسطہ آن جہلیکہ از نکبت
 و خساست آن علوم مذکورہ کسب کردہ اند دین
 و دنیا هر دو را باختہ اند پس باین اعتبار میتوانیم
 بگوئیم کہ افتتاح دروازہ مغرب بجهت ما مشرقیان
 خصوصاً ایرانیان ازلہ از آنہا ہرگز

را نمود
 لیکن نباید خط نومییدی بر صفحات امید ما
 کشید چه آنکہ هرکس بتواریخ آشنا باشد می داند کہ
 در دو قرن کمتر از هر جنبہ مغربیان ہرانب حال
 شان از حال کنونی ما بدتر بود خرافاتشان هنوز
 ضرب المثل است ترقی و تعالی امروزہ آنها ہمہ از
 شخصیات علمی است کہ بجای خرافات و اوہامات
 در مغزشان جای گیر شدہ امروز سلطنت با جنود
 ربانی علم است هر قومیکہ بخواہد خود را در
 عداد ملل زیدہ عالم آورد باید تخلف از حیث
 علم را حرام شمارد و فرار از تحت لواء خرافات
 کہ جنود شیاطین است بر خود لازم داند

امروز اگر ایرانیان استقلال و شرف و عزت
 را طالب باشند باید از علوم مملکت داری بحسب
 مقتضای عصر بہرہ مند کردند لیکن نہ بخوبیکہ بر
 دیانت لطمہ و صدمہ وارد آرند و ہمین جنبہ لازم
 شد کہ دستہ از طبقہ روحانی ہمیشہ مراقبت این
 تمدن اروپائی را بنمایند اصول صحیحہ او را اخذ
 کردہ مبانی مضرہ را طرح کنند تا بلکه بتوانند
 دین و دنیای باختہ را مسترد دارند

و اگر این دستہ از روحانین امروزہ از عہدہ
 تمیز بین مواد ضادہ و نافعہ تمدن اروپا بخوبی بر
 آیند چندی نخواہد گذشت کہ مملکت ایران اول
 ممالک اسلامیہ در تمدن و خضارت جلوہ گر
 خواہد شد

اگر ما امروزہ بخواہیم تمدن غرب را قالبی
 و از روی تقلید در ایران یا سایر ممالک اسلامیہ
 جاری کنیم باید مع التاسف یکسرہ دیانت اسلامیہ
 را کہ بنصدیق منصفین مغرب موجب ترقی است
 وداع گفته بدست خود اسباب و موجبات تبسبہ
 و انحطاط را تصادف نائیم انوقت بقول انحصکم
 امریکائی باید مثل وحشیان افریق کور کورانہ
 ایام زندگی را بگذرانیم

اگر تمدن اروپا کفایت و ضامت ترقی را می
 نمود هر روز از یک گوشہ دنیا صدائی برضد
 حکومت آنجا بلند نمیشد استعمال مسکرات و ارتکاب
 مسکرات کہ ضررش امروزہ بہام تمدن واضح و
 آشکارا گردیدہ هنوز در آن ممالک شایع و برقرار
 است

اگر از روی انصاف مفاسد رفع حجاب را ملاحظه کنیم خواهیم اذعان نمود که ضرورتی که از او باید بیرون آید اجتناب می شود بمراتب از منافع جزئیش بیشتر است و مقایسه کم ضروری بحجاب صحرا نشینان با اهل حضارت و ترف ناشی از عدم مدافه در سبب کم ضروری اولی است که ابدأ آن سبب گاهی نتواند نسبت به اهل حضارت تصور کرد و چنانچه کسی اشکالی در این مراتب معروضه داشته باشد ما خود را در جواب حاضر مینمایم بشرطیکه از جدال و مراد کناره بسته نقطه مقصودش اکتشاف حقیقه باشد

الاقل حسین القزوی الموسوی الحاربی

مکتوب از جنوب

هر مملکتی که صاحب دریا نیست قابل ترقی نیست وسعت و نعمت در ممالک گرم است ممالکی که باران زیاد دارد امراض زیاد است مملکت هند اگرچه سرآمد تمام روی زمین است از حیث وسعت و نعمت و زراعت و تجارت لکن بواسطه کثرت باران امراض موسمی زیاد دارد چنانچه تب و سایر امراض شیوع دارد مکرر وبا و طاعون خا و منبع آن در هند است با همه اینها بهترین ممالک زرخیز عالم است سند و بلوچستان بزرگ ما بین ایران و هندوستان است باران های موسمی می بارد اراضی آن ها قابل همه قسم زراعت صاحب جنگل گندم و برنج و زرت و و سه که نیل می سازند حنا و غیره بندری قابل نمو و زیاد است که در هیچ جای دنیا این برکت نیست هوای سند گرم تر از بلوچستان است کانه بلوچستان بزرگ ما بین ایران و سند است امراض نیست خرما و نخل در سند کیاب است در بلوچستان علاوه از آنچه مالک میباشد جنگل های زیاد و نخلستان خود رو بندری است که همه ساله طوایف بلوچ بجهت جمع آوری در جالق و درک رفته ضبط نموده میبرند و میخورند دولت روس این همه کشش و کوشش که در آسیای اقصی و وسطی میکند بجهت تحصیل بندر است لهذا آن استعدادی که در بندر پورت آرتر فرام آورده بود بجهت تملک آن بود و اگر سر یا از ژاپون نغورده بود و ده سال دیگر باقی بود چین و ژاپون را بلع می نمود لیکن همت

علی میکادو امپراطور با عقل ژاپون و ملت صاحب حسن و رجال دولت خواه ژاپون او را از اقصی شرق محروم ابدی ساخته متدرجا از تجارت آن مملکت نیز ممنوع خواهد شد بلکه هموم دول اروپا از تجارت شرق اقصا ممنوع خواهند شد چه ترقی ژاپون روز بروز در ازدیاد و قناعت تجار ژاپون در اقتناع و ارزان تمام نمودن اجناس آنها مقتضی است که تجارت اروپا را موقوف سازد لیکن در آسیای وسطی هنوز دولت روس امید دارد ، تا کنون همسایه جنوبی راضی نشده که دولتی دیگر یکوجب از خاک بنادر خلیج فارس را تملک نماید و اگر یک کشتی روس و آلمان عبور میکند انگلیس ده کشتی مأمور می نماید بعد از شکست ژاپون دولت روس از رقابت دیرینه خود دست کشیده ، بلکه صلاح حال خود را در اتحاد با انگلیس دیده این ها معلوماتی است که همه میدانیم و گفتن و نوشتن توضیح و انجمنات و طول بلاط اناست عرض از این شرح و بسط وضع حالت و برخوردی و بی حسی بعضی از ایرانیان است در این موقع نازک که مدعیان وطن ما از شمال و جنوب و بین و بیار ما را احاطه نموده و هم اقرب متدرجا حدود موهومی خود را تصرف خواهند نمود با اینهمه قتل و تاراج و نهب اموال بقدر ذره عرق غیرت و حیت آنها حرکت نیامده روز بروز در مقام نفای و جبرل مرکب راسخ تر و ثابت تر شده به تاراج این ممدود ملت فقیر مشغول از آنها بی غیرت تر اشخاصی میباشد که آرزوی حکومت آنها را دارند و تصور می نمایند که دوات های خارجه مالیات تریاک نمک شراب تنباکو ملک خانه و غیره از کسی نمیگیرند و حال آنکه از تریاک و نمک و شراب و تنباکو هر صد تومان هفتاد و نخبتمان میگیرند در نمک زار از حملات بقدر خوراک آنها از نمک مبلنی گزاف میگیرند ، مالیات از خانه ها از نمک آب زمین حتی از اذنان تجارتی و غیره و غیره بقدری میگیرند که برای صاحبش چیزی باقی نمی ماند مقصود این است کسانی که آرزوی حکومت اجانب را دارند خوب است از اشخاص بصیر جو یا شده آنوقت آرزو نمایند از جهت دیگر سلطنت غیر در مملکت با است

دولت است ، یکفر سرباز خارجه برتری بر عموم
 روسای دولت و ملت دارد کسانی که این آرزورا
 دارند یا از کثرت جهل بست تر از بهائم یا فطرت
 آنها بک نیست یا احق گول خور است که همیشه
 بطنع در هر مملکت پیش آهنگ دشمن های مملکت
 بوده بالاخره اول اشخاصی هستند که بعد از استیلا
 آنها را محو و معدوم ساخته اولاد آنها بکدائی و
 اعمال زشت مبتلا شده نمونه آنها در ممالک منصوبه
 همایگان موجود است محتاج بعرض نیست

فرض از این شرح و بسط این است که جای
 حیرت است اولیای امور با وجود اهمیت خلیج
 فارس و سرحدیت بلوچستان چرا صرف نظر از
 امنیت و اصلاحات آنجا فرمودند اگر سبب بی بولی
 بود که ممکن بود از مالیات خود این حدود تهیه
 استعداد شود وزرای عظام اول وهله که افتتاح
 مجلس بود بدون ملاحظه بدنامی ایران این وجوه قلیل
 را خواست استقراض فرموده کاش این مطلب سری
 بود و یا مبلغ گزافی خواسته بودند که حقارت وافلاس
 ما را ثابت نه نماید و حال آنکه این وجه را بعنوان
 مصاعده یا از متغریات خالصه جات مالیات وغیره ممکن
 بود تهیه فرمایند اصلاحات لازم نه بود ~~که~~ فوراً
 مثل پاریس و لندن باشد امورات تدریجی الحصول
 همین قدر مخارج فوق العاده سابق را تخفیف داده
 قدری هم بر مالیه افزوده جلو گیری از مالیه هم
 می شد کارها رونقی بهم می رسانید از آن طرف یکدفعه
 هم فشار بر رعیت آوردن رعیتی که سه سال است
 هستی او رفته جایز نیست که قلوب را از اصلاحات
 جدید و مشروطه منزجر نماید چنانچه بعضی متقدمان ما
 که دعوی سویلیسیون دارند یکدفعه میخوانند پشت
 یا به تمام امورات زده بر هیچ چیز حتی قوانین مذهبی
 ابقا نگذارند و چه قدر خبط است که امروز بموض
 اینکه قوانین مذهبی خود را ترقی دهم توهم رسانیم
 مسلم است سه ربع ملت ایران متدین بمذهب حقه
 جعفری و بای بند قوانین مذهب میباشند و تمام
 پیشرفت امور مشروطه بسبب فتوای حجج اسلامی
 بوده و هست چه گونه امکان دارد ~~که~~ برخلاف
 قوانین شرع کسی سلوک نماید فی الحقیقه یکی از بزرگان
 خوب فرموده است مستبدین که مجلس را خراب

مشروطه خواهان جاهل که علم آنها فقط موقوف
 است بمستفترک بودن و پشت یا زدن بمذهب و ملت
 و مذهب را کهنه برستی دانستن مثل مکروب می مانند
 که ریشه مشروطه را خشک نمایند و قلوب ده ملیان
 ملت ایران را از مشروطه و اصلاحات جدید منزجر
 نمایند علم اروپائیان مدوح است که تمام ترقیات غیر
 العقول از آن علوم ناشی شده ورنه سر با شاشیدن
 و با کاغذ پاک کردن و شرب مسکرات و استعمال
 منیبات رقص تاریکی کشف ستر تهذیب و تمدن نیست
 پیغمبر مسلمانان در هزار و سیصد و اند سال قار و
 شراب را حرام فرموده تحصیل علم را بر زن و
 مرد واجب قرار داده جهاد را بر عموم مسلمانان
 واجب قرار داده ، و عجمی اروپائیان بعد از جنگ
 صلیب طریق قشون ملی را از مسلمانان ما اخذ کرده
 در تحت قانون آورده مگر نماز خواندن و اجتماع
 در مساجد نه این است که اول عبادت معبود حقیقی
 دوم اتفاق میان برادران سیم حضور امام حاضر
 شدن شب زنده داری همیشه حاضر بودن بیدار
 بودن نه اینکه تا صبح مست و ملتک افتادن بالاخره
 اگر انسان خواسته باشد قوانین مذهبی اهل اسلام را
 یکی یکی با عقل و حکمت موازنه نماید خواهد دید
 که برای سایر ملل چه مافی خواهد ماند ،

افسوس افسوس از اخفاش سیرتان که بکلی انصاف
 را کنار گذارده و در این مطلب اغراض می نمایند
 حالا اگر چهار نفر ملانمای راشی بی علم احکام الله
 را اسباب دخل خود قرار داده حکم بنیر ما انزل الله
 نماید نصی بر قانون الهی نیست یکی از حکمای روسیه
 که اکنون قوانین مذهبی را با عقل و حسن ظاهر
 تطبیق می نماید مشهور است که روزه را برای
 حفظ صحت بدن و اصلاح حال معده واجب میداند
 و در مدت چهل روز روزه نصارا را با نخوردن
 حیوانی متحمل شده و در این مدت مشغول کشیدن
 اره دوسر بوده که حرکت معده و مشقت آن زیاد
 است در اول و آخر که جسم او را وزن کرده اند
 ذره کم نیامده یعنی اینکه بگویند خون را کم و بدن
 را میکاهد از مهملات است از نگرفتن روزه و استعمال
 گوشت زیاد قوه هاضمه معده تمام میشود بهر حال
 باید عموم ملت ایران خاصه اولیدی امور دو چیز

وژسای روحانی و حفظ قوانین شرع مطهر، دوم
 اتفاق اتفاق اتفاق رفع نفای و شقاق
 ◀ عمالت خیال کنونی ایران با رومیة الکبری ▶
 این روزها در روزنامه‌های ایران و نیز در
 روزنامه‌هایی که در بلاد خارجه منطلق بایران طبع میشود
 لایحات طویل درباره استقراض داخلی طبع و نشر
 شده ولی اهالی چنانکه باید اقدام در دادش
 قرض یا اعانه نکرده اند بعضی از جوهرش را یکی
 از تجار با معرفت بمبنی یعنی آقای دمدمشق
 در یکی از نمره های نامه مقدس تحریر فرموده
 و الحقی درست نگاشته است، هر حال ما مثلاً از
 تاریخ رومیة الکبری مضمونی اتحاد کرده ایم که
 حالت آن سلطنت در شدت احتیاج و مدافعه خصم
 با حالت حالیه ایران بکلی مماثل بوده است، مردم
 شهر (روما) در آن موقع شاید بجهت نجات وطن
 خود چگونه کوشیدند و حس وطن خواهی شان
 بجهت درجه بود از مضمون دیل ظاهر خواهد شد،
 در سنه ۲۱۱ قبل از میلاد مسیح که هایپال
 سه سالار سلطنت کارتیج حمله سنگینی بر سلطنت
 (روما) اداخت و افواجش از چهار طرف طام
 شهر (روما) شدند و از دار و گیر جنگ عرصه
 بر (رومانیان) تنگ شد، خزانه دولت بکلی خالی
 بود و ولایات باحکدار از دادن خراج به او تم
 کردند، و چون مدافعه همچو خصم قوی را فوج
 کثیر لازم بود بی پولی دولت کار را بسیار مشکل
 ساخت، بباره آخری در حالتیکه مداخل دولت
 بهایت درجه به پستی گرانید مصارف دولت از حد
 متجاوز شد، صعوبت دیگر که نهمش بر رعایا
 سخت بود، گران علی و ما بحتاج زندگی بود که
 بچندین برابر قیمت اصلیش ترقی نمود، هر چند که
 تحمیلانیکه بر رعایا استوار کرده بودند دو برابر
 شده بود ولی اینهم کفاف نکرد و سلطنت مجبور
 اقسام استقراض شد، درین زمان بجهت تجهیز فوج
 بحری تدبیر تازه اندیشیدند، یعنی بر جمیع اهل شهر
 روما بااستثناء فقرا لازم گردانیدند که هر شخص
 لوازم یک یا بیشتر سرباز بحری را حسب قدرت و
 مکنت خود با اسلحه کامل و مواجب شاهانه تجهیز
 کند، سناتورها یعنی اعضاء مجلس شوری را لازم
 شد که هر یک پست نقر سرباز بحری تهیه کنند و

بر قبیه اهل شهر بمسائبت مال و دولت و املاک
 خود که ثبت دفتر دولتی بود لازم گردانیدند
 چقدر سرباز بحری باید مهیا کنند، این بود بنای
 آن تحمیل مشهور که به (پول جهازات رومی)
 موسوم گردید

اما در سنه ۲۱۰ قبل از میلاد احتیاجات دولتی
 از سنه گذشته نیز بیش، و جمیع عمرها و سر
 چشمهای مداخل دولت خشک شد، منجمه خرابیها
 یکی این بود که قیمت سکه تنزل کرد، سکه آس
 که در ابتداء معادل یک رطل مس بود درین زمان
 سدس آن قیمتش تنزل کرد و تمام مخارج که از
 خزانه داده میشد در همین سکه منزله ادا میگردد
 آخر کار نتایج بدیکه ازین تدبیر باید آشکار شود
 بظهور رسید، اگرچه خزانه را فی الجمله امتلاقی
 ازین تدبیر حاصل شد ولی قیمت جمیع اشیاء واجناس
 بمکس بالا رفت یعنی هر قدر سکه تنزل نمود بر قیمت
 اجناس افزود تا تعادلی در معاملات روز مره پیدا
 شود، ولی با این همه بنیاب اعتبار مالی دولت
 متزلزل گردید

در اثناء این مشکلات مجلس سنا وصول پول جهازات
 را مکرر در مجلس شوری پیش نمود، حالت رعایا
 بحدی خراب و خسته بود که ابدأ نمیتوانستند متحمل
 این بار گران شوند زیرا که در چهار سال قبل
 افلاس و فلاکت آنها بحد کمال رسیده بود و پیش
 زیادتى نحمولات اقسام و کمی حاصلات بود زیرا که
 خدمات فوجی آنها را مانع از زراعت و کاشتکاری
 و پورشهای بی دربی هایپال باعث تباهی رعایا و
 مزارعشان گردیده بود

همینکه این تحریک در مجلس پیش شد که پول
 جهازات رومی را دوباره بر مردم تحمیل کنند،
 جوش مخالفت در تمام طبقات اهالی پیدا شد،
 سناتوران مجلس حامی منقذ کردند تا درین مسئله
 غامضه غور و خوضی کافی نمایند، رئیس جمهور
 تحریک نمود سکه سناتوران خود را مثال وطن
 خواهان ثابت کنند و از کیسه قنوت خود دو
 این راه از بذل مال کوتاهی نوزند و سلطنت را
 از این قابله عظمی برهانند در اثناء تقریر خود
 بدستکلام مترنم شد.

در هر جا لازم است سکه با نام جدید

خود خدمت بدولت کنیم و از حایة دنیا هر چه داریم چه را تقدیم خزانه سلطنت نمایم ، از جنس طلا آنچه باید برای خود بگذاریم باید منحصر بانگشتر طلا و حلقهای طلائی پسران ما باشد و از طلاآلات زمان برای مرزنی فقط شش مثقال طلا بگذاریم . از نقره فقط سازاسپهای خود و نمکدان نقره خانواده و ظرف کوچک نقره که در وقت مذور بخدایان خود بکار میبریم نگاهداریم . و از سینه آلات فقط بجهزار رتل ظروف برای ضرورت خانواده گذاشته همه را تفویض خزینه دولت کنیم تا که دولت بتواند با این دشمن خارجی مقابله و مقابله نماید .

ازین تقریر رئیس شورشی در جمیع رعایا و اهل شهر و امرا و حضار پیدا شد و همه این تحریک را بسمع اصفا قبول کردند ، و رعایا نیز اقتفاد به امرا نمودند ، مسطور است که هجوم خلق بسوی خزانه دولت و شوق مردم در تمیل این تدبیر بحدی بود که منشیان دفتر استینا فرصت نمی یافتند که اساسی توجیه دهندگانرا بت دفتر کنند این قرض وطنی دولت را محفوظ و مطمئن و شرف ملت را قائم داشت ، این رقوم را دولت روما از اهل شهر بعنوان قرض گرفت که بعدها باعالی مسترد کند نه بطور اعانه ، بلحاظ حس حب وطن قدر و وقت این امداد خیلی گرانقدر تر از آن بود که بلحاظ اعانت کردن بخزانه دولت ، هر فردی از افراد را ماده حب وطن و هرق حبت بجهوش آمد ، دولت را نیز ازین راه و تدبیر آفتدر عاید شد که برای مقابله خصم قوی بجه پیش از کفاف بود .

از مطالعه مضمون فوق بر هر ذیحسی هویدا خواهد شد کسانیکه فی الحقیقت حب وطن دارند و معنی وطن را فهمیده اند اعم از مرد و زن در حفظ ناموس و شرف وطن چگونه اقدام میکنند ، پس اگر بشور در حات خود نظر کنیم که سبب چیست که اهل ایران در همچو وقتی قدم وطن دوستی پیش نمیگذارند و لکن سنگ و پیفرق را بر خود هموار میکنند ، ولی پس از ملاحظه تمام حالات و واقعات مکشوف میشود که رعایا و درینباره

بلکه بیشتر مایلند که وطن خود را نجات دهند و نام بد بر خود ننهند ، اما نکته انجاست که رعایا را اعتمادی بر قایدین سلطنت نیست زیرا که پیش ازین نیز اعانه و توجیهات و تحیلات از آنها وصول شده است ولی بمصرف خود نرسیده است بلکه دست خوش شیدان چابکدست شده پس حالا بجه اطمینان زر نقد خود را بهمان شیدان بسپارند

اگر بقاعده انظامی داده میشد و کار بدست مردمان درست سپرده میشد بلکه بذریعه تجار معتبر و صرافان ذیعقدورت کار را جاری میکردند شک نیست که بجای چهار صد هزار لیره که دولت از خارجه میخواست استقراض میکند خود اهل وطن چهار ملیون لیره بطیب خاطر و رغبت نام تقدیم مصادر امور میکردند و وطن عزیز خود را یکباره از قید احتیاج بیرون می آوردند ، پس مصادر امور جمهور راست که خوضی نمایند و تدبیری بیندیشند تا اهل وطن را اطمینانی کامل حاصل شود و اقدام درینکار سترگ نمایند و یقین شان شود که آنچه از آنها وصول میشود بعنوان قرض حاست و بمصرف صحیح خواهد رسید و توقع آنها نیز قائم ماند که آنچه بدولت داده اند با ضحاک مضاعف از دولت باز خواهند گرفت ، تا اطمینان کامل حاصل نشود نکسی بول خواهد داد و نه امور دولت انجام خواهد پذیرفت ، همینکه اعتبار بهر رسید اسناد استقراض جنس قابل الاتباع خواهد شد ، نکته در حصول اعتبار است اگر وزراء بفهمند

یکی از ارباب فهم شاید از خراسان تدبیر استقراض داخلی را بدان بلیت دولتی در نامه مقدس نگاشته بود ، اگر این تدبیر را بقاعده اجرا نمایند و اسناد استقراضی بامضاء وزراء مسؤل خصوصاً بامضاء رئیس الوزراء و وزیر مالیات درست طبع شده باشد که شائبه جعل در آن نرود و کیشنی یعنی حق سبی برای فروش آن به نهار وعده شود و این اسناد را بمالك تقسیم کنند شك وشبه نیست که مبالغ خطیر بخزانه دولت خواهد رسید و کارها حسب دلخواه بپایت خواهد پذیرفت ، آنچه لازم است مطمئن ساختن رعایا و عامه مردم است که پولشان نه همین بیدر نخواهد رفت بلکه بکارهای

همیشه خودمان متضرر خواهیم شد بلکه اولاد و احفاد ما نیز از نفع آتیه مایوس خواهند گردید ، پس بر هر ذیحمی که يك قطره حب وطن بگذرد دارد واجب است که خیال آینده خود و وطن را همیشه پیش نظر داشته کوشش نماید که اعتباری برای دولت خود پیدا کند ، اگر هر متضی چنین خیالات را پیش نهاد خود سازد و بتکمیل بپردازد در عرصه قلیلی ایران را از حنیض تنگدستی بیرون خواهد آورد و آبادیش را روز افزون خواهد کرد ، پیش ازین چه قلم فرسانی کنم و ما علینا الالبلاغ

حیدر آباد دکن ۱۰ جادی الثانی سنه ۱۳۲۸

محمد مهدی

مکتوب از معدن مت خوب

در مسئله نفت با کمال ادب و توقیر رای مکنونی خود را بعرض هموطنان عزیز عبور می رسام و در نهایت احترام منصفانه عرضه می دارم که ازین نکته مسلمه باید صرف نظر کرد که استخراج نفت و امثاله بسی تدارک و خیل لوازم و بسیار مخارج در کار دارد ، که مسلماً درین وقت از قوه ما ملت پریشان بی همت خارج است ، و بدیهی است که اگر امتیاز معادن نفت بدین کپانی محترم موسوم به (انگلو پرشیان آیل کپانی لیمیتد) داده نشده بود تا بحال این خزینه و گنج گرانها نیز مثل باقی خزائن و معادن بی مانند (که بدبختانه حال بی مثالشان بزبحب خاک باک وطن عربی فریمان بهمان است) در برده استوار می ماند و ترشعی ازین بحر محیط نروت و امان هیچ غریب و بومی را ترمی کرد ، پس اعطای این امتیاز با رعایت اقتصادی وقت کنون که متاسفانه نواقص و مفاسد گوناگون بی علمی بی پولی و و و و و محیط ما ایرانیان حال زبون است ببقیده این بنده های رضایت و ممنونیت دارد چونکه عقلاً گفته اند

زلعمت اربشو سہمی وسد بمن سہمی

ہزار مرتبہ بہ باشد از نبودن صرف

اراضی معادن نفت این سامان از متصرفات ایلہ جلیل بختیاری است و حال سال پنجم است کہ کپانی جلیل نفت درین اطراف با ماشین های آتمی مشغول بخر آبیار و استخراج معادن نفت می باشند و تاکنون چاه های متعددی در جا های مختلف

آنهاست بمنزله نوتہای بانک خواهد بود کہ در بازار ما راج و قابل داد و ستد باشد

دول متمدنه کہ میخواهند استقراضی کنند اول اشہار آنها را در روزنامجات طبع میکنند و نرخ منفعت آنها نیز مینویسند و تنزیلی برای آن اسہام یا اسناد قرار میدهند یعنی سند صد قران یا صد تومان بہ نود و ہفت یا نود و ہشت قران یا تومان و چون دولت اعتبار داشته باشد طالبین اخصاف مضاعف آنها خواہش میکنند و با سہل وجہی رقوم مطلوبہ جمع و فراہم میشود ، چنانکہ اکثر در ہندرسنات دیدہ شدہ است کہ دولت انینگلس دہ ملیون روپیہ بسود صدی بہ سالہ میخواہست ار اعتباری کہ دولت مشارالہا را حاصل است درخواستہای مردم بجای دہ ملیون برای بست و بیج ملیون میرسد اینجا است کہ در دادن تنزیل دولت فایده میرد یعنی وقتی کہ درخواستہای خواہشمندان میرسد تنزیل را از صدی بہ صدی دو کم میکنند یا شاید رقم کامل میفروشند حال آنکہ سودش از صدی بہ در سال پیش نیست ، اگر ایران نیز همچین اعتباری بہرساند ، (و چرا ہم رساند اگر قایدین امور براستی و دیابت کار کنند و بوظیفہ خود درست عمل نمایند) بیج عجب نیست کہ در ابتداء معاملہ بصدی بیج سود رقوم کابہ تہیہ شود ، وقتی کہ معاملات با اہل مملکت درست شود اول ایکہ شاید مرکز محتاج باستقراض خارجی بشود و اگر مہل بہ استقراض خارجی کنند صرافان خارجہ بخوشی طساب اسناد دولتی ایران خواہند شد

جوانان و تربیت یافتگان ایرانی کہ در اروپا تربیت یافته اند و اکثر آنها در انیزمان بر خدمات بزرگ دولتی ماموند ازین نکات ناواقف نیستند ، عجب تر اینکہ وای صای استوار نمیکند کہ وطن خود را ازین مہلکہ نجات دهند ، باعیکہ بخواہیم خودمان در حین حیات خود از نمرش فایده بریم و بعد از ما نیز اولاد و احفادمان از آن منتفع و منتفع شوند لابد باید مواظبت کنیم کہ آبیاریش بقاعده شود و بار باشجار بر وقت دادہ شود ، اگر تساہل و تسامحی درینکار از ما واقع شود باغ ویران و اشجارش خشک خواہد شد و نہ

زده اند و نفت جریان نموده

یک شرکت مخصوص موسوم به (پیلین کپانی) برای کشف لوله ازین جا بجزیره عبادان تشکیل یافته و با (انگلو پرشین آیل کپانی) شرکت نفت کنترات نموده مشورتی که نفت را از معادن بتوسط لوله های آهن به بندر عمره رسانند اداره دیگر موسوم به (لاید اسکات کپانی) برای ساز کار های تجارتي وغيره این کپانی نفت در بندر عمره دائر است

(مستر رینولدس) رئیس کل معادن نفت جنوب ایران که از بدایت تحصیل این امتیاز در سنه ۱۹۰۱ متصدی این کار بوده است و در بدو امر در کوهستان جیا سرخ حوالی قشر شیرین شروع باستخراج نفت نموده و اثری نیز یافته و بعد در سنه ۱۹۰۵ کار آنجا را توقیف و اقدام در عمل آنجا فرموده با کمال خوش سلوکی و مهربانی با زیر دستان خود در اندازه میدان نفتیان مسجد سلیمان ریاست کل معادن نفت جنوبی ایران متوقف است

از هر جهت قرب یکهزار نفر عدم مستخدمین و نمک خواران این کپانی در جنوب وطن عزیز ما است ، و از حسن نوجبهت این مرد اسباب سایش تا درجه و خوشدلی کامل بجهت عموم مستخدمین مهیا است و در این وقت که ریاست (مستر رینولدس) می باشد اوصاع کپانی را از روی صحت و نظم دیده امیدوارم که این کپانی مصدر منفعت و محرك باقدام در نیل سعادت آتیه برای ملت و دولت ایران گردد

سیستان

در شماره ۳۷ نامه مقدمه مقاله مبنی بر شرح حالات امیر حشمت‌الملک حکمران سیستان درج شده بود

پس از ملاحظه مقاله مزبور سؤال از اشخاص مغرضین می‌نمایم ، آیا در ابتدای اغتشاش سیستان امیر حشمت‌الملک وارد شده بودند ؟ آیا خود آنها در سیستان نبودند که همسایه مهربان میدانرا خالی دیده در اطراف سیستان فصل زمستان بنوازش گردش مشغول دادن تفریقات آنها را تحریک و از باقیبت کار بی خبر خود را در تحت حمایت همسایه

مهربان بگیرند ؟ اگر امیر حشمت‌الملک یک روز دیو تر وارد شده بود کار تمام می شد و بپساره ایرانیان را سالهای سال نگران این قطعه وطن عزیز می گذاشتند ، فراموش نه ، بشود همت این شخص چه بمحض ورود شورشیان شهر را نهب و هرکس بجای خود راحت و جوی رعایا و این قطعه از وطن عزیز مصون مانده گویا نمیدانند که این شخص بجه اقدامات مجدانه حفظ ناموس وطن و اهالی را نمود امیدوارم خدمات صادقانه این مرد نزد اولیای دولت بی نتیجه نماند

در باب مرافعه ملکی حاجی میرزا سید علی و سردار خدا داد خان شرحی مذاکره شده بود این مسئله هم دقت طلب است اولاً این ملک خالصه دولت و بکسی بخشش نشده که حکومت هم از پیش خود باین و آن وا گذار نماید ، اطلاع بوزارت داخله دادند حکم به حکومت و کار گذار و رئیس تلگراف و رئیس پست داده شد که باین کار رسیده کی شود ، بعد از مشوره صورت را بوزارت داخله اطلاع دادند البته هر چه حکم دولت شود رفتار و طاعت خواهند نمود

قابل توجه ایالت جلیله فارس

از قرار راپورت واسله از عراق و الی جدید بغداد که ولایت موصل و بصره و امارت کل عساکر عراق ضمیمه منصب اوست نامدت شش سال بحکومت نظامی برقرار و تمامی امور بصلاح و مقتضای وقت عمل کرده شکایات راجحه بحکومت که عادت هر ساله و طبیعت ثانویه اهالی و نتیجه دسته بندی و پارتنی بازی است (مانند اهالی شیراز) مسموع نخواهد شد چندی است که فرمان احضار تمامی شیوخ بلاد و روساء عشایر صادر فعلاً همه اکابر و اعیان که در قلمرو خود (مانند روساء ایلیات و خوانین فارس) خود سروفعال مایشاء بوده دوجار دهشت و حیرت و از هیبت وی و سوء اعمال گذشته خون در مجاری عروق و انتصاب شایسته منجمد گردیده است ورود این و الی و اعمال وی مصادف با ورود حضرت والا شاهزاده ظفرالسلطنه بایالت فارس است کمال امیدواری داریم که اشرف و مفسدین فارس نیز بزودی تنبیه و تادیب گردیده ادارات و امورات مرتب و منظم گردد انصافاً بواسطه شہوع هرج

را تصرف مدیران گمرک و بیرون و اکنون يك مامور است باردوی دولتی و جہاز پرس پاپس سرداری زائر عبدالله خان دشتی مستحفظ گمرک مشغول نزع و جدال و استرداد کاملی فرام نموده است خلاصه پیش آمدهای این دوره بعلاوه هزاران مهمات دیگر شباهت کلی با آن زمان دارد لکن اوضاع این دوره و سیاست و قواء حالیہ و لزوم ادارات و مشاغل و مهمات با آن زمان بسی فرقا و تفاوتی کلی است تا به نیم ایالت جلیله با این استعدادی که همراه دارد چگونه شروع بانظامات خواهند فرمود

◀ افواہات بوشهر راجع باقدامات ▶

(ایالت فارس)

در بوشهر چنین شایع است که ایالت بعد از سه روز از ورود شروع به خلع سلاح اشرار نمود و قریب چهل نفر از اشرار گرفتار و محبوس نموده امنیت طرق و شوارع از شیراز تا بوشهر بانضمام حکومت کازرون و کله دار و دشتی به جناب صولة الدوله واگذار و امنیت راه از شیراز تا حدود اسفهان بمرده نصرالدوله منوض و حکومت دشتستان و تنگستان بمغیث الممالک اعطاء و عسکر خان عرب را مخلع و ضمیم الدوله را بحکومت ممسی روانه فرموده است فعلاً مردم ساکت هر کس منتظر است که ایالت دیگر چه اقدامی مینرمايد و چنین شیوع دارد که آمد و شد مکاری نیز از راه شاهی خواهد شد

(کازرون)

شهر و توابع منظم مردم بکارهای خود مشغول لیکن مانند سابق این خاموشی و امنیت را موقتی میدانند و اگر چه چندان داخوشی بکلانتر حالیہ ندارند و عمده قتل و غارت و صدماتی که برایشان وارد آمده از شامت کلانتر بازی و ریاست طلبی یکی از سادات متنفذ که آتش اغتشاش افروخت و بناهنده بشیراز شد میدانند ولی مع هذا او را بر حکومت ترک بملاحظات عدیده ترجیح میدهند و ابدأ از این طایفه بی تربیت امید بهبودی ندارند معسکر آنکه کشفیات ذاتی و بساقت شخصی جناب تدارک خرابی های گذشته بنمایند

(بوشهر)

موم مردم از رفم بلیه طلوعون خداوند رؤف و رحیم

مرج و بی نظمی و اغتشاش که ناشی از یاری های متعدده شیرازیها و علل دیگر عموم اهالی به تنگ آمده گذشته از دویا جمیع چهار پایان و کوه و دشت و بیابان از مرج و مرج به تنگ آمده طالب حکومت مستقل چندین ساله نظامی میباشند، اگر این فرمانفرما نیز بای ملاحظه در کار آورده و از خطایای منسین بزرگ که همه خرابی از مکنت و دولت ایشان و جمیع بلواهای این چند ساله باشاره امانل و برکت آس و پلو ایشان حادث میگردد عرض عین نماید و عنی الله عما سلف بگوید و چشم از مجازات ایشان بپوشد عن قریب تاریخ اداور سلف تجدد پذیرد و این هیاهو بچند روز امیدواری و چند روز انسوس بگذرد و همان اغتشاش و قتل و غارت و دزدی و چپاول و راه زنی که چهار سال است بی دوری دائماً در صوبه فارس عموماً برقرار بوده باقی بلکه صد درجه بدتر و خراب تر خواهد گردید، بعینه حالت فارس در این ایام مانند سی و پنج سال قبل است که جمیع فارس يك قطعه آشوب و نا امن گردیده بکنایت و لباقت فرهاد میرزا معتمدالدوله ماده فساد اشرار و خودسران بلوکات و ایلات قلع و قمع شده عدالت و انتظام و امنیت در بلاد و قراء و دهات و طرق و شوارع جاری گردید، در انزمان نراع محله در تمام قراء مانند کازرون و بهمان و غیره جاری بود اکنون هم هست در انزمان راهها مغشوش و مستحظین راه هر ده قدم بدو قدم عابرین و مکاری را لغت نموده باسم سر خری و گویی باج میگرفتند اکنون هزار مرتبه بدتر، در انزمان خوانین بلوک و روساء ایلات طالبات چندین ساله بدمه داشتند و در خیال خود سری بودند اکنون هم هست، در انزمان شیخ مذکور خان کنگانی و خوانین بر از جان و غیره سر از ربه اطاعت کشیده بودند و بحسن سیاست معتمد الدوله در سال اول حیدر خان براز جانی و محمد طاهر خان گله داری و در سال دوم شیخ مذکور خان کنگانی را بدار انتقام کشیده عبرة للناظرین نمود، اکنون هم محمد خان غضنفر السلطنه بر از جانی بنای تمدنی و چپاول همسایگان نموده است و شیخ مذکور خان بکلی باغی شده بندر طاهری و عسویه و کنگان

دخلی می برند از این است که خوانین باندک نا
ملایمی که می بینند فوراً قتل و غارت و احتراق دعوات
و سوزاندن خرمهای بکدیگر مرتکب شده و هر نوع
پیرحی و خونخواری و وحشی گری که می تواند
در حق هم دریغ نمی نمایند

بیرحانه برادر کشتن

چند روز قبل شیخ حسین خان صاحب جاه
کوماه از شش طرف شبه هنگام سر راه بر برادر
خود شیخ علی که بواسطه کدورت فراری و بناهنده
به ذاب خضر تنگستانی شده بود بسته بچاره همینکه
نزدیک سنکر یکی از پسرهای شیخ حسین خان رسید
هدف شلیک آنها گردیده بر زمین افتاد دو نفر
اتباع وی آقای خود را کشته پداشته فرار نمودند
شیخ حسین خان بر برادر آمده رمقی در او
می بیند میگوید برادر وصیتی داری جواب میدهد
بسیار تشنه هستم فی الفور تنگ کشیده میگوید بگیر
آب آب آب سه تیر در این فقرات به بدن نیم
کشته برادر می زند مرحبا برادری آفرین به رحم
و مروت، آیا حکومت محل دریابکی که امروز
وارد بوشهر شده جرئت باز خواست دارد؟ آیا
می تواند مواخذه نماید، آیا میتواند مجازات بدهد؟
لاواکه بلکه او را تفجیع و تهریک خواهد گشت

عمل توپچیان ابوالوردی با دریابکی

توپچیان ابوالوردی مدتی است برای اخذ
مواجب و وظیفه با دریابکی در زد و خورد بودند
بالآخره کاری از پیش نه برده بر کرکانه جلیله
متحصن شدند چندی قبل میگفتند اگر دریابکی
وارد شد با سخت حقوق خود را از او باز یافت
می نمایم اکنون همین حال تحریر دریابکی وارد
گردید احتمال دارد بن این موالیان و صاحب منصبان
دولتی بروندی حاصل شود، ولی اگر حکومت با دریابکی
باشد شك نیست با آنها میسازد و فوراً آنها را
ساکت می نماید

زبان که خرجی ندارد شاگرد و همچنین از رفتار
امیر پنجه نایب الحکومه راضی و سباسبگذار
می باشند - جناب معتمد السلطان از کار گذاری بنادر
استعفا داده و استعفاء ایشان قبول گردیده است
اگر چه در زین ریاست ایشان رفتاری که موجب
بدنامی دولت (مانند دیگران) باشد از ایشان
حیثه نشد ولی درین مدت قلیل کاری که بتوان
اسم خدمت برات صادق باشد نیز از ایشان
ظاهر نگردد از قرار انتشار جناب موقرالذوله
یا معاضد السلطانت بکار گذاری بنادر منصوب
گردیده اند

بنادر از جمیع مزایای ترقی محروم، و اساسهای
جدید که منشأ راحت و حاوی حقوق شناخته شده
مردوم، همان تزیینات قدیمی زمان توحش و انواع
دسایس و حیل برقرار و دائم الاجراست، اهالی نیز
جهان ظلم کشی و نار برداری مانوس، نفس در سینه
محبوس، جرئت دم زدن ولا و نم گفتن ندارند،
و گرنه مورد خشم و غضب دزدانی که نام نامی محافظ،
کدخدای، کلانتر، حاکم، محتسب، و غیره باغراض شخصی
و جهالت فطری ملوث نموده اند، خواهند شد، از
هیچگونه خسارات و تلذات محفوظ نیستند، یک نفر
اراذل و اوباش می تواند همه را مسخر نماید و بسرمایه
مسخرکی و جعل اخبار بی اصل و راپورت بعضی
اخبار راست نما او ایام امور را سرگردان سازد، بی
عرضگی و بحالی مصادر امور باندازه آست که اگر
به پرسند این خلاف قاعده را چرا مرتکب شدی
جواب مشهور (کی مانع شد) خواهد شنید
کدخدایان دعوات و خوانین بلوکات همکاری نخواهند
نمایند بدون مانع بدون ترس بدون مسئولیت اجراء
می نمایند حکومت کل نظر بملاحضات ادوار سالفه
و اهمیت دادن محل مانع که نمیشوند سهل است بلکه
مشوق هم میگردند طایفه بر طایفه دیگر خانی بر ضد
خان دیگر بر می انگیزند در این میانه هم از طرفین
هم از طرف دولت برای اطباء فائز فته و آشوب

◀ اخبارات خارجه ▶

امروز عصر اولین کافراس صلح بین لیبرال و اسریتو در اداره (ستر اسکویت) مشحون ز فریقین منعقد گردید (ستر اسکویت - ستر لغور - لارد کروی - لارد تسدوت - لارد اودو - ستر لوید جارچ - ستر بریل و ستر ستن چمبرلین سمت اشتراك داشتند

اگرچه از آمادگی قشون (یونان) دولت عثمانی مرعوب نشده ولی از طاقت اندیشی اراده دارد اردوئی هم از قشون ردیف تدارك نماید، اعلان ترك استعمال امتعه یونان و حمل اشیاء بر جهاز یونانی در اسلامبول داده شده است

(میو پیشون) وزیر خارجه فرانس در مجلس وزراء اعلان نمود که درباره (سکریت) دول محافظ متفق الرای شده در خلیج (سوده) قوای بحری خود را اضافه نمایند تا حکومت (کریت) رای آنها را حکما پیروی کند و این قوا هنگام لزوم تکار آید

جراید لندن اعضای کافراس صلح پارلمان و مجلس سنا را پسندیده آنها را بنظر وقت می نگرند

در (نیو یارک) (ستر روزبولت) را استقبال شایانی نموده، دو صد فروند کشتی صاف بسته احترام ایشان بودند - توپ های سلامی شلیک شد بر ساحل رؤسا و اعیان مشارالیه را استقبال نموده و با کمال تجمل و تبحر وارد شهر نمودند

مرض وبا در جنوب روسیه شدت کرده - در (کوستوون دون) ۷۰۸ نفر مبتلا و ۱۹۷ نفر هلاک شدند - در شهر (الکزندروف) ۷۷ نفر مبتلا و ۳۹ هلاک گردیدند

علیا حضرت ملکه آلمان در شرط اسپدوانی (همبرگ) رفته از این رو مبرهن است که اعلیحضرت امپراطور آلمان حاشان بهیچوجه مخوف نیست

اعلیحضرت جارچ بحجم در میلاد خود شای (۲۳ جون) لقب (برنس آف ویلس و ارل آف چستر) را اعطا خواهند فرمود

مراسلات غیر رسمی روس تحریک میکنند که باید دول محافظ انتظام کاملی در سکریت بنمایند و فرستادن قشون برای حفظ امنیت لازم است

بموجب خبر اسلامبول - (رفت پاشا) در

مجلس ملی اظهار داشت که مسلك دولت انگلیس با دولت عثمانیه دوستانه است و کسانی که برخلاف این عقیده اند آگاه شوند

هنگام مهانی کیسیون تجارتن عثمانی (میو پیشون) وزیر خارجه اظهار داشت که خواهش فرانسه مانا از زیاد قوای عثمانی است

خبری از (واشنگتن) رسیده که مجلس ملی تحریکی را امضا داشته که (ستر تفت) رئیس جمهور امریکا بموجب آن کیسیون مقرر نماید که آن کیسیون با دول سایر عالم در بقای امنیت بخاربه و مشاوره نمایند و این کیسیون بریاست ستر روزبولت تشکیل خواهد یافت

وقایع نگار (طمس) از (پترزبرگ) خبر میدهد که دولت آلمان به تحریک (ستر اسوالسکی) وزیر خارجه روس درباره (کریت) متفق است

◀ روسها و مستبدین ایرانی ▶
(تفصیل عجیبی)
(از وقایع نگاری)

بپهران خبر رسیده است که شصت نفر قزاق روسی که از قزوین برای گرفتن داراب میرزا مامور شده بودند در هشت میلی زنجان به آب صاحب منصب یای روس و مستبدینی که در تحت ریاست او هستند برخوردند، زنجانرا داراب میرزا و همراهانش محاصره نموده اند، قزاقهای روسی مامور پس از ملاقات با داراب میرزا خواستند با بعضی از اشرار داخل شهر زنجان شوند ظهور قشون روس هیچجا و وحشت عظیمی در میان اهالی انداخته

در باب حمله که مستبدین در تحت ریاست داراب میرزا به زنجان نموده اند شاید تا بحال توسط وکلای اخبار مطلع شده باشید، داراب میرزا اگرچه ایرانی الاصل است ولی در خدمت دولت روس صاحب منصب است و تا چند روز قبل سرکرده قسمی از قشون روس که هنوز در قزوین متوقف است بود، دو قزوین داراب میرزا خصوصیت بهرساند با یکنفر مستبدی احمد خان نام که میر شکار شاه سابق بود و پس از رفتن شاه سابق از ایران در قونسلگری روس در قزوین متحصن شد، باتفاق این شخصی داراب میرزا شروع نمود به تمهید نمودن بر ضا

بضاع حالیه ایران و مصمم شدند همه آورند ، زنجان که بمسافت يك صد و چهل میل در طرف شمال مغربی طهران و تقریباً شصت میل از قزوین است ، معلوم میشود میخواستند حکم زنجان را فریب بدهند چنانچه گفتند از جانب امپراطور روس و شاه سابق ایران آمدهاند و هشتصد نفر قشون در رشت و عده زیادی در سایر نقاط ایران دارند ، دولت ایران پروتست سخت بمسارت روس نموده و جواب شنیده است که داراب میرزا مرخصی خواسته بود بروسیه رود در عوض سرکردگی این حمله بزنجان را اختیار نمود . سفارت روس نیز اظهار داشت که عده قزاق خواهد فرستاد که این صاحب منصب شرور بی باک را بگیرند

دولت ایران بکلی بر ضد این است که قشون روس در مملکت ایران باطراف حرکت و مداخله بکند و خودشان را کاملاً قادر بمقاومت با این واقعه میدانند ، در ایصورت دولت جدیدسارت روس را متنبه نموده است که در زد و خورد بین داراب میرزا و قشون ایران هر چه بداراب میرزا روی دهد دولت ایران مسئول نخواهد بود

سیرار

شاهزاده ظفرالسلطنه والی فارس باکمال شکوه و اجلال وارد شیراز گردیدند تا کنون شش هزار سوار و سرباز و توپچی و غیره وارد شهر شده هنوز هم وارد میشود گویا ظفرالسلطنه را اراده این است که یک اردوی ده هزار نفری برای فارس و بنادر خلیج دائمی موجود دارد ، بدون شبهه چنین اردو امنیت فارس و بنادر را ضمانت تواند نمود

شاهزاده ظفرالسلطنه قبل از ورود بشهر برخلاف تصور بیکر خان عرب و امثال آن خیلی اظهار مهربانی فرموده و خلعت هم داده ، حین ورود بشهر مهمان نصرالدوله بود ، مجلس عیش و نوش و رقص و سرود بسیار با شکوهی از یهود و مسلمان برای تشریفات ورود ایالت فراهم نموده بود و گویا نصرالدوله را رئیس امنیت راه شیراز تا اصفهان قرار دادهاند این واقعه اسباب زمزمه زیاد شده

حکومت کادرون و دشتی و دشتستان و امنیت راه شیراز تا بوشهر هم بسرمدار عشائر واگذار آمده است و سردار عشائر نیز با کمال تمکین و اطاعت از

ایالت برخلاف امید خدمت می نماید ، چنانچه تلگراف ذیل که بر رئیس الوزرا شده این نکته را بخوبی آشکارا میدارد

تلگراف جناب صولتالدوله سردار عشائر (به سپه دار اعظم)

مقام منبع حضرت ریاست الوزرا -
بزیارت دستخط تلگرافی مطاع مشرف گردیده همه وقت تشکر از مراسم بیکران داشته اکنون به مراتب فدویم افزود ، حسب الامر برای جانشین ای حاضر شده بر حسب فرموده آدم امینی هم خدمت ایالت حلیله فرستاده امیدوارم بخوبی که کراراً خاطر مبارک را از خدمات خود خورسند و از رهگذر فارس آسوده کرده جلب مراسم اولیاء دولت و ملت را در باره خود بنماید

[اسمعیل قشقائی صولتالدوله]

هنوز نمیتوان مسلکی برای ایالت تعیین نمود و تصور کرد که سهوهای سهام الدوله از ایشان سر بزهد یا زند ، چه تا کنون با همه یکسان و در فکر خویش که امنیت مملکت است میباشد

شهر فارس و توابع در حکومت عربی یعنی نظامی است و در حقیقت امروزه نیز برای فارس حکومت نظامی لازم میباشد

ایالت رؤسای تمام ادارات را از طهران آورده و فرزند شایسته هم رئیس اداره ایالتی خواهد بود

میکویند نصرالدوله بانجمن ایالتی آمده عرض نموده است که چون ایالت خدمتی بمن ارجاع فرموده که از قوه من خارج میباشد لذا رخصت رفتن بفرنگستان میخواهم

ایالت جمعی از رؤساء اشرا را گرفته برخی را هم سزا و اعدام نموده اند آقا یاقوب تمام ازوا گرفته و میکویند آقا سید محمد پسر مرحوم آقا سید علی اکبر را که آقا قلیچاق شیراز بود حکم برقتن عتبات داده عرض این است که امروز نمیتوان هیچ حکم در مملکت ایالت نمود زیرا کارها بمجرای خود قرار نگرفته ولی رعب و هیبت عطیمی از بدبده ایالت و این اردوی جسیم و سزاهای عذبه که ایالت بر رؤسای اشرا داده چهار بند بزرگان را گرفته ، هرگاه ایالت مقتدر باشد که مرعوبیت خود

را نگاهدارد مملکت قریس بدون خونریزی و زحمت
اردو امن خواهد گردید. نگاهداری این دبدبه هم
منوط بر این است که ایالت چشم طمع را کور و
خوبشتر را طرفدار پارتیهای ایران و ایران کن جلوه
نهدد - مسلک ایالت باید مستقیم و بی طرف و خیر
خواهانه باشد. ایالت باید برای خود مسلک قرارداده
دیگران را پیرو مسلک خویش قرار دهد هرگاه چنین
فرمودند حکومت ایشان تاریخی خواهد شد

تسلکرافات روز راجع بایران

(۲۱ جون مطابق ۱۳ ج ۷)

مخبر روز از طهران خبر میدهد که فرت
عمومی و خلاف دولت روس در ازدیاد و قیام
قشون روس مزید بسیاری از واقعات ناگوار مع
دالک روسها بهانه جوش کرده تبدیل حکومت
آذربایجان را از دولت خواستگارند

حبل المتین

اولین حاکم عالم قانون ایران مخبرالسلطه
والی ایالت آذربایجان میباشند این راد مرد عبور
در دوره اول منروطیت وقتی که مخالفت و قوت
مستبدین در آن مرکز بر آشوب بدرجه کمال بود
از جانب مجلس بایالت آذربایجان نامزد گردید و
با کین خود رفته مملکت بر آشوب آذربایجان
را قسمی امن نمود که ما فوق آن مقصور نبود
و در استبداد صغیر و دوره منروطیت مکتونی
هم اهالی آذربایجان حکومت دیگر را منظور نه
نموده تا این که مجدد مخبرالسلطه بایالت آذربایجان
نامزد گردید، جراند اروپا تمام و غالب جراند روسیه
بیز حسن انتخاب ایشان را بایالت آذربایجان تصدیق
نموده عالم عالم تمجید از شخص مخبرالسلطه می نمودند
معلوم است که شخص عالم عبور وطن خواهی مانند
مخبرالسلطه آله پیش رفت اضراض نمایندگان خارجه
تواند گردید این است که تبدیل او را خواسته و
این هیاهو را در ایران انداخته اند

این نکته نیز مخفی نماند که تصور خلاف قانون با
حرکات دور از نزاکت از شخص عالم و دانائی مانند
مخبرالسلطه خلاف عقل است روسها دو مقصود از این
تبدیل دارند، اول آنکه در قلوب حکام آینده
آذربایجان رعب خود را جای داده و بدین وسیله
هرگونه دخالت مائل آیند - دوم اینکه چون مخبرالسلطه در
بران تعالیم یافته و برادر جناب صنیع الدوله میباشند روسها
مرعوب شده صلاح خود را در ایالت ایشان تصور مینمایند
ولی ما گمان نمی نمایم کابینه وزرا این تحریک
عیر قانونی روس را وقتی نهند بجهت چند، یکی
آنکه هرگاه چنین تکلیف را گردان نهند
گویا بدست خود استقلال دولت را مسموم نموده

دست و پای وطن خواهان را در خدمات وطنیه
بنهاند و سپس مرایاتی که مقرر نمایند بقای خود را
دوسایه خدمت بروس دانسته خوبشتر را نوکر روس
خواهد بنداشت، دیروز سردار و سالار محض
خاطر روس از آذربایجان با آب همه خدمات
تاریخی و حقوق ملی خارج شدند امروز تبدیل
فرمانفرمای مانند مخبرالسلطه را خواستگار گردیدند
فردا دخالت در کابینه و پس فردا در تبدیل نایب
السلطه و شاه خواهند نمود، بی اگر کابینه وزرا
در مسئله سردار و سالار اطاعت نمی کردند امروز
چنین تکلیفی بآنها نمی شد و اگر امروز تعصیل این
تحکم بچارا در تبدیل حکومت آذربایجان بنمایند فردا
دائرة محکات خود را چنانچه گفتیم وسعت خواهند داده
آنوقت نتوانیم گفت استقلال ایران از بخارایش خواهد بود
علاوه مخبرالسلطه را بمناسبت اهمیت ایالت
آذربایجان نارخواست اهالی مجلس تعیین نموده، یعنی
وزارت داخه با اطلاع بلکه باستصواب مجلس نموده
ازین رو بدون اطلاع مجلس کابینه یالت آذربایجان
را تبدیل نتواند نمود، و هرگاه این مسئله بمجلس
پیش شود چون مابقی وخیم برای استقلال ایران
دارد در عالم پلنیک خیلی دارای اهمیت است لابد
برخلاف روس قیامت صغری برپا خواهد شد و روسها
ازین تحریک بجای نفع زبان حاصل خواهند نمود
(۲۶ جون مطابق ۱۷ ج ۲)

سرادوردگری وزیر خارجه انگلیس در جواب سوال
مستر ریس در پارلمان اظهار داشت که هنوز روسها
اطمینان کامل بامنیت شمال ایران حاصل نه نموده ازین رو
نمیتوانند حرکت قشون خود را کاملاً مصمم گردند ولی
تا جائیکه عقیده من است از عده قشون خود خواهند کاست

حبل المتین

مقاصد و عقائد روسیه در ایران جوی تعجب نیست
چه روسها به ضرورت قشون خود را وارد ایران
نه نموده اند که ما امیدوار باشیم پس از رفع
ضرورت بیرون برند، ولی از بیانات سرادورد
گری وزیر خارجه انگلیس کمال حیرت را داریم
که چگونه این بیانات سراسر بی اساس روسیان را
در پارلمان بیان میفرمایند و ایرانیان را از دولت و
ملت نجیب انگلیس چرکین دل و خودشان را نزد
دیپلماتهای آزاد دنیا ننگین میسازند، چه بر طالبان
میرهن گردیده که تمام نا اسی ایران از قیام
قشون اجانب است و توفقی که قشون بیگانه از ایران
خارج نشود اطمینان بامنیت ایران بیرون از عقل
است، رفتار و سلوک متجاوزانه افسران و تا بینان
قشون روس در هر نقطه و مرکزی که وارد شده اند
اثبات این مدعا را کافی میباشند، هرگاه قشون روسیه

در آذربایجان پشت گرمی بر حیم خان و شاهسونها نمیداد
 آن واقعات ناگوار پیش می آمد عکسهاییکه از رحیم خان
 و اسیران روس انتشار یافته این نکته را مصدق
 تواند بود ، و قه تازة داراب میرزا علت الملل کلیة
 ناامنیهای ایرانرا وجود قشون خارجه ثابت می نماید
 مع ذلک به تصدیق واقفان رموز امنیت کنونی
 ایران بدرجات شق بر روسیه ترجیح و
 همسری با هند و عثمانی و امثال آت داده پس
 این سخنان تمام پلنیک و همایگان قیام قشون
 خودرا در ایران محض ناامنی داخله و بهانه جوق و
 پیش رفت مقاصد سیاسی قرار داده اند ولی با این
 همه سهو فرموده اند ، چرا که ایرانیان بی مقاصد
 آنها برده نخواهند گذارد مقضی المرام کردند
 ایرانیان دانسته اند که اگر با آت شرایط
 استقلال ویران کن قبول استقراض نموده قشون خارجه
 متناہود رفته بودند و اگر امروز هم جواب (یاد
 داشت) آنها بطور دلخواه داده شود یعنی خویشتر
 و باسیری آنان بدهند یک ساعت قشون خودرا در
 ایران نگاه نمیدارند و تصدیق می نماید که مملکتی مانند
 ایران دارای امنیت وجود ندارد ، ایرانیان خوبی دانسته
 اند که قشون همسایه در ایران فقط برای فشار ایشان و
 قبولاندن مقاصد سیاسی رآه است اثر این پلنیک بازبها
 این شده است که اگر و فرض محال همایگان شهید
 بخوانند بکام آنها ریخت آنها زهر و اگر در حقشان
 خیر گویند آنان شر تصور می نمایند ، این حرکات
 متجاوزانه و این سخنان دیپلومان جز اینکه اعتماد ایرانیار
 از روس وانگلیس زائل نماید هیچ نتیجه دیگر بر بخشند
 چه ایرانیان این نکته را در نقطه دل جای نماند
 (یا سرک یا آزادی یا منای محض یا استقلال نامه)
 پس درین صورت این تشبثات آفتابی جز نفرت
 ایرانیان نیده نه بخشد و این نفرت ملجأ زوال
 خود آنها را دعوت می نماید و خواه مخواه ایرانیان
 را از خارج و داخل بی چاره جوق خواهد بر
 انگیزخت ، واقه آلمان که ببقیده بضی امروزه مجاز
 است از شامت پلنیک بازبها و فشار این دو
 همسایه بوده است ، ورنه ایرانیان را باین تصورات
 سوق نمیداد ، و اگر همایگان ترک تجاوز نکویند
 و از فشار ایرانیان دست باز ندارند خواه مخواه
 مجاز امروزه آلمان حقیقت پیدا خواهد نموده چه
 از پس همایگان بر آنها فشار وارد آورده و
 بقدری تولید نفرت در آنها کرده که در محبت
 از شر آفات راضی اند که خویشتر را بآب و
 و آتش اندازند ، در آن صورت رضا خواهند شد که
 هر ضد آنان بقدری منافع به آلمان خواهند که بر لای
 بآنان نموده در مقابل شان بایستند ، بکلیتند شخریق

و اینکه جراند روس و برخی از جراند انگلیس
 می نویسند که آلمان با مقاصد دولتی همراه شده ،
 یا منافع آلمان در ایران مانده نیست که قابلیت رقابت
 روس وانگلیس را داشته باشد غلط محض و مبغ
 بر پلنیک است ، و گویا از منافع آلمان در راه آهن
 بغداد در وسط آسیا واقف نمیباشند ، ببقیده سیاسیون
 اگر روابط خودرا آلمان در ایران زیاد نماید و راه
 آهن بغداد را بایران ملحق سازد ، کلیة مآرف او
 در راه آهن بغداد هباهر میگردد ، ازین رو میتوان
 گفت مقاصد تجارتنی آلمان (سیاست و تجارت با قانی
 سیاسیون توام است) در وسط آسیا بالا تر از
 روس وانگلیس است ، پس میتوانیم هموطنان خود
 حالی نمایم که آلمان در حفظ منافع عطیمه خویش در
 وسط آسیا محتاج تراست بشما از احتیاج شما ما ، و
 باید ایرانیان درین معامله گول نخورند و از ازار گرمی
 و نه ترازو زمین زدن سیاسیون واقف گردند
 ایرانیان راست که بسخنان دیپلماتی همایگان
 اعتنا نه نموده اطمینان با فاعالشان نه نمایند و در
 حرکات پلنیکه آنان روی رضا نشان ندهند و باین
 که روسیان قشون خودرا کم نمایند راضی نگردند
 زیرا که برای انداختن اغتشاش و بر مادی امنیت
 چه ده فر قشون بیگانه در وطن ما باشد چه صد
 هزار دارای یک حکم است ، ایرانیان باید پای ببقشند
 تا آخرین قشون بیگانه را از وطن خود دور نمایند
 و این ذکر را از یاد ندهند (با سرک یا استقلال)
 خلاصه ترجه اخبارات خارجه راجع بایران
 ۱ روزنامه طمس تلگرافی از پترزبرگ بدین مضمون
 اشاعت داده که دولت ایران از تأییدات مالی آلمان
 مأیوس و مجدداً برای استقراض رجوع بدولتین روس
 و انگلیس نموده است ، وزیر مختار ایران مقیم لندن
 رسماً این خبر را در همان اخبار بدین عنوان تردید
 نموده « جمله اول از اصل بی اساسی (یعنی خواستن
 قرضه از آلمان) و جمله ثانی که طلب استقراض
 از دولتین باشد کلیه غلط است »
 ۲ دولت جدید تحقیق از کایه قرضه روس نموده
 و این تحقیق مایه خیال روسیان شده ، که شاید
 مجدداً ایران طالب استقراض گردیده است
 ۳ بحران کابینه طهران ترقی نموده چند روز است
 که سبدار اعظم دخالت در کارها نموده و سایر
 وزراء نیز خویشتر را بلا تکلیف می دانند
 ۴ چنان مستفاد می شود تشکیل کابینه جدیدی خواهد
 شد و اعضای این کابینه بسلیقه جناب ونوق الدوله وزیر
 مالیه انتخاب خواهند گردید ، و سردارین نیز شامل
 در این کابینه خواهند بود
 ۵ مارننگ پست می نویسد نائب حسین داخل کاشان

بناهنده بودند مشغول زد و خورد است
 قزاقان روسی که برای گرفتاری داراب میرزا
 رفته بودند بدون هیچ گونه زد و خوردی او را
 گرفتار کرده به قزوین آورده از تسلیم بدولت ایران
 ابا و امتناع دارند، گویا روسیه اش فرستادند تا در
 آنجا تحقیق حال و استتقاق از افعال او بشود
 ایران نویی بویسد که قزاقان روسی در ارومیه
 برای ایسکه يك از عباسیان را حکومت بجرم قانون
 دستگیر نموده بود بی ادماه وارد دار الحکومه شده
 و با سر تنگ جسارت بحکومت نموده اند. همینکه
 حکومت باز برس از ماینده روس نموده بدون اینکه
 هیچگونه سزا و جزائی به قزاقان داده شود بدین
 سخن متعذر گردیده که قزاقان بدون احازه مرتکب
 چنین قباحت غیر قانونی شده اند.
 بموجب اخباریکه بجراید هندوستان رسیده. دو
 نفر از هندوهای آزادی خواه موسوم به سومی
 امبا برشاد و اجیت سنگ که از مجرمین پلنیک
 هندوستان بشمار بودند وارد شیراز شده در تحت
 حایه حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی
 اخباری بنام حیات اشاعت داده برخلاف دولت انگلیس
 و روس بلکه عموم نصاری بحث نموده ایرانیان را
 برخلاف دولت انگلیس برانگیخته اند، نهمینده انگلیس
 مشارالیه را از نائب الایاله فارس خواسته چون در
 تحت حایه حجت الاسلام بودند دستگیریشان ممکن
 نگردید سپس روپوش شده و معلوم شد بکجا رفته اند
 اخبارات هندوستان مینویسند که سه هر آزادی
 که دیراث حراند در هند بودند بنا بازاماتیکه
 از حاب حکومت نابشن وارد آمده فرار بابران
 نموده اند یکی از آنها مسلمان و صیاء الدین نام ودیر
 اخبار پشاور بوده دیگری اجت سنگ که یک از بر
 که های حجاب میباشد، سوم سومی امبا برشاد است
 که در مراد آباد دیر اخبار اردو بود، قلمی دارد
 بسیار بر قوت دو نوبت هم محکوم شده این سومین
 بار است که محکوم آمده و فرار بجانب ایران
 نموده است
 اخبارات حال آنها را در ایراث مختلف
 مینویسند جماعتی میگویند روپوش اند، برخی مینویسند
 که درینا حجت الاسلام محلاتی محفوظ، و از سپردن
 آنان به نمایندگان همسایه ابا و امتناع نموده، جمی

میگویند حکم گرفتاری بر آنها صادر آمده
 مخفی هستند

یکی مینویسد که حجت الاسلام محلاتی در جواب
 نماینده ایالت اظهار داشته احرار ایران را شایسته
 نیست که احترام نه نمایند حریت خواهان سایر اقوام
 را همان قسم که نمایان احرار ایران را بعد از
 مشروطیت خود احترام کردند ایرانیان را هم
 زینده است که احرار ملل سایر که بناهنده با آنها
 شده اند محترم دارند، علاوه بر این نظر به عهد
 سیاسی مجرمین پلنیک که از ملکی بملک دیگر
 بناهنده می شود در سیاست ملک داری حیانت
 آنها لازم است. ازین رو هرگاه ما این بناهندهگان
 را تسلیم کنیم اعم و اینکه در پیشگاه احرار دنیا
 سزاگنده خواهیم بود یکی از حقوق سیاسی خود ما
 تلف بلکه یکی از ارکان استقلال ما را خخل وارد
 خواهد آمد، و چون دولت انگلیس حامی حریت
 ایران است گمان نداریم به تضییع حقوق سیاسی
 ما درین موضوع رضا دهد، وظیفه حکومت ایران هم
 این است که حق دولت همسایه را عنوط دارد یعنی
 بناهندهگان سیاسی او را نذار در معاملات سیاسی
 بر علیه دولت انگلیس دخالت نماید، و این حق
 را نمایندگان همسایه در عوالم دوستی و اتحاد بر ما
 دارند، و مراعاتش هم بر حکومت ایران فرض است
 (حبل المتین)

روزنامه حیات از زمان گذشته فقط حجت الاسلام
 محلاتی درو حه آن مسلک این روزنامه را پسندیده
 نگاشته اند، (عوامانی که درین روز نامه نوشته
 تاریخی است و ما در مقالات آن هیچگونه مخالفتی
 با دولت انگلیس و روس و سایر مسیحیان ندیدیم
 و گمان نمی کنیم که نگارنده روزنامه حیات اشخاصی
 باشند که جراید انگلیسی می نویسند،) هر حال چیزی که
 مایه عبرت گردیده این است که بر فرض صدق این
 مقال چگونه نائب الایاله شیراز در صد گرفتاری
 بناهندهگان پلنیک خارجه بیرون تواند آمد و حال
 آنکه چنین حرکت برخلاف قانون و معاهدات بین
 الدولی است و بزرگترین حقوق استقلال ایران را
 حاطل و باطل تواند نمود، ما منتظریم که وقایع نگاران
 مخصوص اداره حقیقت این امر را نگاشته تا از
 روی صحت بتوانیم رای خود را اظهار داریم

<p>(قیمت اشتراك) (سالانه — شش ماهه) (هند و برمه)</p>	<p>« ولاحق اخذ ابرو بدون لیمون ندارند و تاوقی » (مشترکین را لیمون مخصوص سال هجدهم دست نیابد) (دمه شان بری شناخته میشود) « نامه مقدسه »</p>	<p>(جبل المتین کلکتہ) (مدیکل کالج امپریٹ نمبر ۴) HAJI UL MATIN'S OFFICE 4, MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA</p>
<p>(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ) (ایران و افغانستان)</p>	<p>« مراسمات خصوصی بدون امضای »</p>	<p>(کلیہ امور ادارہ ما) (مدیر کل مؤید الاسلام است)</p>
<p>(۴۰ قران — ۲۰ قران) (عثمانی و مصر) (مجیدی — ۳ مجیدی)</p>	<p>« معروف ادارہ درج میشود »</p>	<p>(ہر دو شنبہ طبع) (ہر دو شنبہ توزیع میشود) (ہر دو شنبہ)</p>
<p>(اروپا و چین) (۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک) (روس و ترکستان)</p>	<p>« ۱۳۱۱ سنہ »</p>	<p>(۳ رجب المرجب ۱۳۲۸ ہجری) (مصادف با)</p>
<p>(۱۰ منات — ۶ منات)</p>		<p>(۱۱ جولائی ۱۹۱۰ میلادی)</p>

المتین

حاجی رین الماندین آقا تاجر مراغہ مؤلف سیاحت نامہ ابراہیم بیگ رحمة الله عليه



بگاہ وطنخواہ غبور عاشق مشروطیت ، فدائی عدالت ، بیدار کننده ملت ، جناب مستطاب
 این راد مرد کہ از دوستان پانزدہ سالہ جبل المتین و کتر هفتہ بود کہ بمراسلاتش نائل نمی آمدیم اصلاً
 از خوانین اکراد (ساوجبلاع) و بدر در بدر دنیا در (مراغہ) بشغل تجارت اشتغال داشتند، در سن
 ہشت سالگی بدبستان رفت و در شانزدہ سالگی بحجرہ تجارت بدر نشت ، در ۲۰ سالگی بہ اردبیل
 مشغول تجارت گشت ، پس از رحلت بدر با برادر خود بحجاب (قفقاز) رہسار و بداد و ستد عالی
 مشغول و پس از چند سال رخت بہ (کریمیا) کشید ، کم کم بہ اسلامبول رفتہ و از آنجا امتعہ آورده
 مشغول داد و ستد گشت و سرمایہ فراہم و بہ (یالتا) رفتہ ، مازہ تجارتی تشکیل و بہ دقت کاری خوشنام
 و ترقی نموده مورد توجہ عموم خانوادہ امپراطوری شد ، پس از چند سال بہ اسلامبول آمدہ تامل
 اختیار نموده بہ (یالتا) معاودت و پانزدہ سال در آنجا مشغول تجارت و سپس ترک (یالتا) گفتہ سکونت
 اسلامبول را اختیار و عازم زیارت بیت اللہ شدہ عاقبت در حالیکہ مقتاد مراحل زندگانی را طی نموده
 بود با کمال نیک نامی و داع زندگانی فرمودہ رحمتہ الله عليه رحمة واسہ ، حاجی موصوف اگرچہ بہ نوشتن
 فارسی چندان مربوط نبود ولی خیالاتش عالی و پسندیدہ و حب وطنی بی اندازہ داشت چنانچہ مجلدات سہ گانہ
 سیاحت نامہ ابراہیم بیگ این نکتہ را مصدق است

زندہ جلوسد ماند ہر کہ نکو نام زیست کز عقبش ذکر خیر زندہ کند نام را

اطمینان بنفس مایه سعادتست

ایرانیان ایکه در قرن گذشته ۲۷ سال با دولت روس جنگیدند و در غالب میادین شاهد فتح را در آغوش کشیدند از ایرانیان موجوده نه قوی چه تر بودند و نه اسبابشان پیش از امروز بود، چیزیکه ایرانیان قرن گذشته را در مقابل روسیان قانع و جسور ساخته بود هما اطمینان به نفس بود که مایه سعادت و شرف نوع انسان شناخته شده و در حقیقت چیزیکه از ایرانیان امروزه سلب گردیده هما اطمینان به نفس است، و چون از فرد یا جنسی اطمینان به نفس مرتفع گردد خواه مخواه توایند حیانت کرده آت فرد یا جنس را از رشادت و جوامردی باز داشته صغیر و غیر رشیدش میسازد این است که عقلای وقت برای چنین فرد یا جنسی وجود قیم یا ولی را لازم میشارند

از صد سال باین طرف یعنی از بعد معاهده (ترکان چاقی) از یکطرف سیاسیون روس و از طرف دیگر سلاطین و وزراء عیاش ایرانیان و ایش در پشت و بطن در بطن بقدری مرعوب روس نمودند که تا چهار سال قبل یعنی قبل از انقلاب مشروطیت نه تنها ایرانیان لفظ مخالفت روس را به زبانها جاری نمیکردند بلکه تصور مخالفت روسیاریا خلاف عقل بلکه محال عقلی تصور مینمودند سلاطین و ارباب نفوذ ایران هم برای مزید ترعیب ملت اسم روس را مترس و هیولای او را اولولو قرار داده خودشان بیخ و عنبرت ایام میگذرانیدند، در دوره مشروطیت اندک اندک زبانها باز و خیالات فرازی گرفت یعنی بدرجه رسید که بعضی بزبان آوردند که روسها در برخی تصرفات دیکر نیستند، رفته رفته این تصور ارج گرفته، اندک اندک آوازها برخلاف تجاوزات روس بلند گردید، روسها در عود مرعوبیت اولیه ایرانیان هر قدر تواسته پوشیده و هرچه خواسته کردند، ولی نتیجه بعکس بخشید، همه مخافت روس همه دوزه زیاد تر شد و رفته رفته از مرعوبیت ایرانیان کاست، تا کار بجائی کشیده که امروزه ایرانیان بدون خوف و بیم آواز مخالفت به تجاوزات روس بلند کرده و بیواحه در مقابل روس دعوی حقوق طلبی میانند، و بعقیده ما بزرگترین پیشرفتی که درین چهار ساله ایرانیان نموده اند همین نکته اهم است، چه واقفان رموز میدانند که ملت مرعوب حکم طفل نابالغ را دارد که برای صیانت او از قیم و ولی ناگزیرند و مسلم بود که هرگاه ایرانیان ترك مرعوبیت ننکته یعنی بروز رشادت نداده قیمیکه برای آنان مادر طبیعت تعیین مینمود هما روس وانگلیس بودند که

هنوز هم بدان آرزو باقی میباشند

ولی نقیصه ایکه در ایرانیان از مرعوبیت میشود صد ساله باقی مانده آنست که کاملاً اطمینان به نفس ندارند، ببارقه ساده مستعد مناقشه حقوقی با روس شده ولی عقیده شان این است که روسیان غالب نتوانند آمد، و این نقیصه یا نفس نقیصه که دال بر بیاطلاعی و جهالت ما از اوضاع سیاسیة عالم است ما را از کلیه سعادت باز داشته و به جسارت و تجاوزات روس افزوده است، و تا وقتی که ایرانیان اطمینان به نفس نموده یعنی این نقیصه خیالی یا عقیدتی را از خود دور نداشته خوبستن را لایق تشریف آزادی و استقلال ظاهر نتوانند نمود

ایرانیان بدانند که توکل بخداوند تبارک و تعالی حاصل نگردد مگر باطمینان نفس و ايقان نمایند که هرگاه اطمینان به نفس که توکل حقیقی است نموده ولو هر قدر ضعیف و مختصر باشند در برابر هر قوت قوی ایستادگی توانند کرد و برگردن آرزو سوار خواهند گردید

ملتی که اطمینان به نفس خود داشته باشد و اعتماد بر شادت خویش کند محال است دیگران بدعوی قیدومیت وی برخیزند، ملتیکه اطمینان به نفس نموده شداند مصائب را هیچ نه اندیشیده و اعتماد بزور بازوی خود کرده امید بفتح داشته باشد هیچ دوشی بر آنها غالب نتواند آمد

ایرانیان بدانند که هر چه و م و ملتیکه اطمینان به نفس نمود و در برابر خصم ابراز قوت قلب داده عقیدت بفتح و نیروزی خویش داشته باشد هیچگاه سلب استقلال از وی نتواند نمود، ملتیکه اطمینان به نفس و اعتماد بقوای استقلالیه خویش داشته باشد ولو مملکتش مفتوح شود حاکمیتش مسلوب نخواهد گردید

رایه ایست این مدعا وقعه ترنسوال و جنگ بک مشی بوثران در مقابل دولت قویة انگلیس که دوست هزار قشون برای زبر کردن آنها فرستاد و مملکتشان را فتح کرد، سلطنتشان را مغلوب توانست نمود کافی است، چنانچه در عین مغلوبیت غالب و در حین مقهوریت جسور بودند و این ملت مختصر و قوم ضعیف این نتیجه را حاصل نمودند مگر بواسطه اطمینان به نفس و اعتماد بتوت استقلال ملی خویش، مسلم است که اگر تراسوالیان از کثرت قشون انگلیس و قوت تروت و جہازات جنگی او ترسیده ضعف خویش و قلت عدد خود را دیده ترك اطمینان به نفس گشته و با قوت قلب در مقابل انگلیسان استقامت نوزید، بودند در عین مغلوبیت محال بود که چنین منصوریتی حاصل نمایند علاوه بر این ایرانیان غور کنند که چگونه